

طبقه کارگر نماینده اعتراض جامعه

علیه سلطه یک درصدیها است

صفحه ۲

پیام حمید تقوایی بمناسبت روز جهانی کارگر

کارگران در هفته ای که گذشت

صفحه ۶

قطعه نامه های اول مه، پلاتفرم مبارزات متحد کارگران برای سال ۹۶

بازهم در باره مضحکه انتخاباتی حکومت

صفحه ۲

کاظم نیکخواه

در تدارک اول ماه مه، روز جهانی کارگر

صفحه ۴

گفتگوی شهلا دانشفر با اصغر کریمی در برنامه تلویزیونی سازمانده

پیرامون پلمب کردن نهادهای مدافع حقوق کودک

صفحه ۳

گفتگو با سیامک بهاری

کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس اسلامی:

حذف اعدام بر اساس میزان مواد مخدر

صفحه ۱۲

حسن صالحی

نسل کشی آرامنه

پاکسازی نژادی - مذهبی توسط ناسیونالیسم به یاری اسلام!

صفحه ۱۰

محسن ابراهیمی

رهبران کارگری سخن میگویند

صفحه ۶

شهلا دانشفر

برای مقابله با خارجی ستیزی و راسیسم باید سکوت در

مقابل جنبش اسلامی را شکست!

صفحه ۵

مصاحبه با مینا اخلی

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۰۹

جمعه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۶، ۲۸ آپریل ۲۰۱۷

قطعه نامه مشترک تشکل های مستقل کارگری به

مناسبت روز جهانی کارگر ۱۳۹۶

صفحه ۷

بیانیه مشترک سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی همراه با سندیکای کارگران کشت نیشکر هفت تپه و کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری، به مناسبت روز جهانی کارگر

صفحه ۸

کارگران در پارک چینگر کرج

به استقبال اول مه رفتند

مردم سنندج با راهپیمایی در شهر به

استقبال روز جهانی کارگر رفتند

صفحه ۱۶

کانون نویسندگان ایران:

فرخنده است اول ماه مه؛ روز جهانی کارگر

صفحه ۱۵

سه یادداشت کوتاه

آرش دشتی

صفحه ۱۴

اسماعیل عبدی باید فوراً آزاد شود!

صفحه ۱۴

بمباران شنگال و کردستان سوریه توسط دولت

ترکیه را محکوم میکنیم

صفحه ۱۵

طبقه کارگر نماینده اعتراض جامعه علیه سلطه یک درصدها است

فرارسیدن روز کارگر را به کارگران در ایران، در سراسر جهان و به مردم آزاده دنیا تبریک می‌گوییم.

روز کارگر روزی است که همه سرها بطرف طبقه کارگر می‌چرخد. مردمی که به شکاف عظیم بین دره فقر و کوه ثروت در همه کشورها، از اروپا و آمریکا گرفته تا کشورهای مثل ایران، اعتراض دارند، مردمی که خواهان آزادی و رفاه و رفع تبعیض هستند، مردمی که حتی نگران نابودی کره ارض در دست سرمایه داران سودپرست و مفتخور هستند، همه در اول ماه مه به طبقه کارگر چشم می‌دوزند.

طبقه کارگر طبقه‌ای است که پرچم‌رانی کل این مردم را در دست دارد. با مبارزات خودش علیه سلطه سرمایه دارها در همه کشورها توده عظیم مردم، نود و نه درصد جامعه، را نمایندگی می‌کند که در زیر ستم و نابرابری و تبعیض سرمایه داری دارند خرد میشوند. امروز در غرب راسیسم و ترامپسیسم سرمایه داری را نمایندگی می‌کند و موج اعتراضی وسیعی را علیه خودش بسیج کرده است و در کشورهای مثل ایران و دیگر کشورهای اسلام‌زده نظام سرمایه بوسیله حکومتها و نیروهای مذهبی نمایندگی میشود که بجان مردم افتاده اند و فجایی را آفریده اند که در تاریخ معاصر بشری بی نظیر است.

طبقه کارگر طبقه‌ای است که کیفر خواست خودش را علیه این نظام و علیه سلطه سرمایه داری در همه جای دنیا اعلام می‌کند، طبقه‌ای که با مبارزات و اعتراضات خودش الهام بخش بخشهای مختلف جامعه در مبارزه علیه مصائب و مشقات ناشی از سلطه سرمایه است.

یک نمونه مشخص و بارز این مبارزه در جامعه ایران جریان دارد. سال گذشته سالی بود که با بیانیه جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبیدی علیه سرمایه داران مفتخور شروع شد. بیانیه‌ای

که اعلام می‌کرد مفتخورهای حاکم به فکر تامین و حراست از سلطه خودشان هستند و منظورشان از "امنیت ملی" امنیت ثروت و قدرت خودشان است. با پرونده سازی های امنیتی فعالین جنبش کارگری و فعالین جنبش معلمان و دیگر جنبشهای حق طلبانه را به زندان می‌اندازند که امنیت حکومت خودشان را حفظ کنند. این بیانیه از افزایش دستمزدها و حقوقها، از حق تشکل، از حق اعتراض و اعتصاب و دیگر خواستههای پایه ای معلمان و کارگران و توده مردم دفاع می‌کنند و در واقع پلاتفرمی است علیه نظام اسلامی سرمایه داری در ایران. سال گذشته با این بیانیه آغاز شد، بیانیه‌ای که نوید بخش يك سال پر تحرک و پر جنب و جوش در جنبش کارگری و در جنبشهای اعتراضی مختلف بود.

حکومت اسلامی در ایران عقب مانده ترین و وحشی ترین و ارتجاعی ترین نوع حکومت سرمایه است. آیت الله های میلیاردر، کسانی که به اسم خدا و محمد و اسلام و غیره تسمه از گردن کارگران می‌کشند و جامعه را در محاق فروبرده اند، بر خلاف دوره قرون وسطی نماینده فئودالها و زمیندارها نیستند. اینها نماینده طبقه سرمایه دارند و در زمره ثروتمند ترین و مفتخور ترین صاحبان سرمایه در ایران.

مبارزه کارگران در سال گذشته این را اعلام کرد که حتی اگر یک اختلاس از دزدیهای مفتخوران حاکم کم بشود تا حد زیادی مشکلات رفاهی بخشی از کارگران حل میشود. کارگران در شعارهایشان اعلام کردند که "زیر بار ستم زندگی نمیکنیم". سال گذشته سال بجالش کشیدن حکومت از جانب طبقه کارگر بود. چالش حکومت نه صرفا بر سر خواستههای برحق کارگران، که اهمیت و محوریت خودش را در مبارزات مردم دارد، بلکه برای آزادی زندانیان سیاسی، در دفاع از کودکان، علیه پرونده سازیهای

امنیتی، در مبارزه علیه اعدام و غیره. در همه این عرصه ها شما ردپای جنبش کارگری و نقش فعالین و رهبران جنبش کارگری را مشاهده میکنید.

نه تنها در روز کارگر بلکه در تمام طول سال گذشته در ایران سرها بطرف جنبش کارگری چرخیده بود. جنبش طبقه کارگر نشان داد که چرا مبارزه برای آزادی و برای رهایی از مبارزه علیه سلطه سرمایه داری در ایران جدا نیست. و چرا مردمی که خواهان آزادی و برابری و رفاه هستند باید به مبارزه طبقه کارگر علیه سلطه سرمایه پیوندند.

سال گذشته سالی پر جوش و پر تحرک بود. سال گذشته از نظر دامنه اعتصابات و اعتراضات کارگری، از نظر شفافیت شعارها و خواستههای کارگران و حتی از نظر چالش سیاسی حکومت که طبقه کارگر پرچمش را بلند کرد سالی بی نظیر بود. امیدوارم، و باید با تمام توان بکوشیم، که سالی که در پیش است سال پیشرویهایی بیشتر و دستاوردهای بیشتر برای جنبش کارگری، برای اعتراض علیه سلطه سرمایه داری اسلامی و برای خلاصی جامعه نه تنها از شر حکومت مذهبی و ستم و تبعیضات و بیحقوقیهای که این حکومت بر جامعه اعمال میکند، بلکه از شر کل نظام سرمایه داری در هر شکل و در هر نوع حکومتی باشد.

با امید پیشرویهایی بیشتر و با امید پیروزی.

زنده باد روز جهانی کارگر!

زنده باد سوسیالیسم!

حمید تقوائی

۶ اردیبهشت ۱۳۹۶، ۲۶ آوریل ۲۰۱۷



استدلالات جریانات مرتجع و کثیف دواوردادی و توده ایستی و خانه کارگرها و مدافعان خجول حکومت را باید دور ریخت.

عقل سلیم میگوید دنبال انتخابات این حکومت نباید افتاد. هر جا زورمان رسید باید صنوقهای رای را توی سرشان خرد کنیم و بساطشان را بهم بزیم. اما اگر زورمان الان نمیرسد باید بساطشان

بازهم در باره مضحکه انتخاباتی حکومت

کاظم نیکخواه

لازم نیست انسان در ایران زندگی کند تا بفهمد که انتخابات در جمهوری اسلامی بی معنا و مسخره است. همه کس این را میدانند. و فاکت و شواهد بی نهایت است. به همین دلیل نکته‌ای که اینجا می‌خواهم مورد بحث قرار دهم اثبات این ادعا نیست.

نکته‌ای که می‌خواهم تاکید کنم اینست که شرکت در مضحکه انتخابات حکومت اسلامی و رای دادن و رفتن پای صنوقهای رای یک اقدام کاملا ارتجاعی است. هرکس که پای صنوقهای رای این حکومت

می‌رود چه خواهد چه نخواهد به عمر این حکومت اضافه میکنند. به سیاستهای ضد انسانی این حکومت کمک میکنند. و با توطئه گری این حکومت برای مشروعیت دادن به خود همراهی میکنند. و این کاملاً اشتباه است.

ما باید کاری کنیم که خود حکومتی‌ها هم بگویند که انتخاباتشان بی رونق بوده است. باید کاری کنیم که روحیه شان خرد شود. دعوای درونی شان زیاد شود. در برابر مردم به حالت دفاعی بیفتند. ناچار شوند قبول کنند که مردم علیه آنها هستند. باید صنوقهای رای را به خود حکومتی‌ها واگذار کنیم.

میدانم که عده‌ای مثل چهره های معلوم الحالی مثل بهنود میگویند "رای می دهم چون باور دارم با رای ندادن من هیچ چیز عوض نمی‌شود" یکی به این دلالت سیاسی شناخته شده بگوید مگر با رای دادن شما چه چیز عوض میشود جناب؟ جز اینست که حکومت هارتر میشود؟

میگویند اگر شما رای ندهید رئیسی بجای روحانی رئیس جمهور میشود. این بحث مسخره ترین و کثیف ترین بحث است. اولاً رای من و شما و دیگران هیچ تاثیری در اینکه چه کسی از صنوق بیرون بیاید ندارد. خامنه‌ای و پاسداران و

چند آخوند مرتجع دیگر می‌نشینند و تصمیم میگیرند که به صلاحشان است که چه کسی رئیس جمهورشان شود. ثانیاً واقعا و واقعا اینها تفاوتی اساسی با هم ندارند. اگر فضای جامعه اعتراضی باشد و حکومت از جنایت علیه مردم وحشت داشته باشد هرکس بیاید ناچاراً و از ترس مردم کمتر جنایت میکند. و اگر فضای همراهی با حکومت داغ باشد، هرکدام که سرکار بیاید فرقی نمی‌کند. جنایت و اعدام و دزدی و حقوقهای نجومی افزایش می‌یابد. همین چهار سال گذشته هم این را تجربه کرده ایم. این منطق ساده ماجراست. بنابراین

پیرامون پلمب کردن نهادهای مدافع حقوق کودک

گفتگو با سیامک بهاری



کار و خیابان می‌کند. اینجا وجدان بیدار و آگاه جامعه واکنش نشان می‌دهد، سینه سپر می‌کند و برای دفاع از کرامت انسانی، برای حفظ حرمت جمعی و فردی احاد جامعه دست به اقدام می‌زند. نهادهای مدافع حقوق کودک که برای پایان دادن به بهره‌کشی از نیروی کار کودکان تشکیل می‌شوند، دقیقاً به معنای پاسخ اعتراضی جامعه به این وضعیت جهنمی است که جمهوری اسلامی به جامعه تحمیل کرده است.

بدیهی است که تلاش مستمر و بی‌وقفه نهادهایی چون جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، و جبهه اجتماعی سطح بالایی برای این تشکلهای فعالین آن ایجاد کرده است. این نهادها به حق، اعتماد جامعه را با خود دارند. جنبش نجات کودکان را همین نهادها نمایندگی می‌کنند. مبارزه با پدیده کار کودکان به یکی از محترم‌ترین و درعین حال وسیع‌ترین فعالیت‌های اجتماعی بدل شده است. جمهوری اسلامی بعنوان مسبب و عامل بقای کار کودکان این فعالیت‌ها را

صفحه ۱۳

یک جهت هستند. این یورش کاملاً سازمان‌یافته و هدفمند است. عمدتاً برای کنترل و فشار بر فعالین شناخته شده کارگری بویژه در روزهای منتهی به اول ماه مه، ایجاد رعب و وحشت پلیسی - امنیتی بعنوان یکی از ابزارهای شناخته شده جمهوری اسلامی در مواجهه با اعتراضات اجتماعی و کارگری، صورت می‌گیرد. جمهوری اسلامی بشدت از برآمدن اعتراضات اجتماعی بویژه در فضای مضحکه انتخابات وحشت دارد و وسیعاً دست به عملیات پیشگیرانه می‌زند تا بتواند اندکی تعادل خود را حفظ کند.

انترناسیونال: اشاره کردید که این اقدام فراتر از پلمب دفاتر نهادهای مدافع حقوق کودکان است. این را بیشتر توضیح دهید.

سیامک بهاری: پدیده کودکان کار و خیابان، پرتاب شدن میلیونها کودک از چرخه آموزش به بازار بیرحم کار، حاصل بی‌پناهی و عدم تأمین اجتماعی اکثریت کودکان و شهروندان جامعه است. رشد وسیع حاشیه نشینی، بیکاری و گرانی سرسام‌آور، عمیق شدن خط فقر تحمیلی به دره خط بقا، آموزش و پرورش پولی و کالایی، روزانه کودکان هر چه بیشتری را بعنوان کارگران خردسال، آواره بی‌قولیه‌های

ظرف ۱۳ ساعت بعد، در روز پنجشنبه ۳۱ فروردین، دفتر جمعیت واقع در پاسگاه نعمت آباد تهران را پلمب کردند. مراجعه مسئولین با مدارک و مستندات لازم اداری که به وضوح نشان می‌داد هیچ تخلف اداری صورت نگرفته است و مسئولین دفتر جمعیت، منظمًا هر دو سال یکبار مجوز فعالیت را در وزارت کشور تمدید کرده‌اند، اسامی اعضای هیأت مدیره را برابر صورت جلسات، دقیقاً گزارش کرده‌اند و بدون ایراد اداری فعالیت نهاد پیش رفته است. در عین اینکه چند بار درخواست صدور مجوز از سازمان بهزیستی عامدانه، بدون پاسخ مانده است.

پس از پلمب دفتر جمعیت، مراجعات مکرر مسئولین این نهاد، با سر دواندن عامدانه و جوابهای سربالا، روبرو شد و بالاخره مشخص شد پلمب دفتر جمعیت به دلیل "برخی موانع دیگر" است. نظر به محبوبیت و شهرت جمعیت دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان، خبر مهر و موم کردن دفتر آن، به سرعت و در سطحی وسیع در همه جراید و رسانه‌های داخلی و خارجی و فضای مدیای اجتماعی پیچید و موجی از خشم و انزجار نسبت به این اقدام امنیتی را سبب شد.

پلمب دفاتر جمعیت در تهران و دستداران حقوق کودک در تبریز، طبعاً از خود این اقدام و بهانه مجوز، فراتر است. سیاست امنیتی کردن هر نوع فعالیت اجتماعی که مورد پذیرش جمهوری اسلامی نیست، گوشه‌ای از سیاست‌های سازمان یافته پلیسی - امنیتی علیه مراکز فعالیت مدافعین حقوق کودکان کار و خیابان است. احضارهای اخیر آخرین هفته تپه تا سندانج و تهران و غیره، تا پلمب دفاتر تشکلهای مدافع حقوق کودکان در تبریز و تهران، همگی در

دارد. چیزی روزانه حدود ۱۵۰ کودک بازمانده از تحصیل، عمدتاً کودکان بدون شناسنامه مهاجرین افغان برای آموزش کاملاً رایگان به این مرکز مراجعه می‌کرده و اکنون با درهای بسته آن مواجه شده‌اند.

تهدید به اشکال مختلف، مداوماً روی سر این نهادها بوده و هست. مداوماً منابع و دفاتر مالی جمعیت دفاع را کنترل و حسابرسی می‌کرده‌اند. بارها و بارها فعالین آن را احضار و مورد بازخواست قرار داده بودند و برای مجوز ادامه فعالیت این نهادها انواع کارشکنی‌ها و بهانه‌تراشی‌ها صورت گرفته است.

اواخر اسفند ماه گذشته، پیش از سال نو، "قاضی‌زاده" سخنگوی کمیسیون به اصطلاح حقوق بشر مجلس شورای اسلامی در اقدامی از قبل طراحی شده، به بهانه نوروژ و شدت گرفتن کار کودکان در خیابانها، با وقاحت و بیشرمی که فقط از جمهوری اسلامی ساخته است، علیه جمعیت دفاع، اطلاعیه مطبوعاتی داد و با نسبت دادن اتهامات کاملاً ساختگی و جهت‌دار، زمینه را برای حملات بعدی آماده ساخت. اتهاماتی از قبیل بذر رفتاری و شکنجه کودکان در این مکان! عدم مراعات بهداشت در محل کلاسهای آموزش تا اتهاماتی نظیر تبلیغات و مغزویی به نفع بهائیت و احزاب کمونیستی را سرهم و در رسانه‌های تحت امر منتشر کردند.

در مقابل، پاسخ دقیق و مستدل جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان را علیرغم قوانین شناخته شده مطبوعاتی در همان جراید، اجازه انتشار نیافت. پس از حدود یک ماه و نیم معاونت پلیس امنیت به بهانه واهی عدم مجوز و ادامه کاری، چهارشنبه ۳۰ فروردین اطلاعیه صادر کرد که طی آن مسئولین دفتر جمعیت ظرف ۲۴ ساعت باید به اداره مزبور مراجعه کنند. سپس شتابزده و

انترناسیونال: چرا دفتر پروژه آموزشی - حمایتی جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان و مرکز انجمن دستداران حقوق کودک در شهر تبریز توسط پلیس امنیت پلمب گردیدند؟

سیامک بهاری: قبل از هر چیز تأکید کنم که، این اقدام شدیداً محکوم است! بخشی از کارکرد دستگاه سرکوب و ایجاد رعب و وحشت جمهوری اسلامی و امنیتی کردن دفاع از حق کودکان است. با اعتراضات و افشاکاری‌های گسترده، باید جمهوری اسلامی را مجبور به پس دادن مجوز فعالیت به این نهادها کرد. سیاست امنیتی کردن دفاع از حق کودکان را باید پس زد و این دسیسه‌ها را خنثی کرد.

حکومتی که قادر نیست زندگی و معیشت کودکان جامعه را تأمین کند و قلدرمنشانه، خود را مسئول عواقب سیاست‌های ریاضت اقتصادی و تحمیل فقر و فلاکت به جامعه نمی‌داند. برای سرکوب کردن اعتراض به وضعیت فلاکت‌باری که خلق کرده است، صدای حق‌خواهی و دفاع از کودکان را خاموش می‌کند. باید از جامعه، جواب اعتراضی محکمی بگیرد!

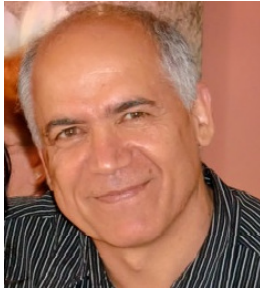
پلمب این دفاتر به دنبال یک سلسله موانع و بهانه تراشی‌های مختلف صورت گرفت. مدتها بود به اشکال مختلف فعالیت‌های این مراکز با ایجاد موانع و بهانه گیری‌های مداوم پلیس اماکن تحت امر وزارت کشور روبرو می‌گردید. مجوز حتی ساده‌ترین گردهم‌آیی‌ها به مناسبت‌های مختلف داده نمی‌شد و یا لغو می‌گردید. کنترل آشکار و نهان پلیسی، احضار فعالین به قصد ارباب شدت بیشتری گرفته بود.

دفتر پروژه آموزشی - حمایتی جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان در واقع تنها مکان برای آموزش کودکان کار خیابان در تهران است و کودکان نزدیک به ۵۰۰ خانواده را تحت پوشش خود



در تدارک اول ماه مه، روز جهانی کارگر

متن پیاده شده گفتگوی شهلا دانشفر با اصغر کریمی در برنامه تلویزیونی سازمانده



اجتماعی داشته باشیم باید برداشته شود. اگر اینکار را بکنند در مبارزه برای افزایش دستمزد و متشکل شدن و جلوگیری از اخراج و غیره در موقعیت بسیار قویتری قرار میگیرند، در موقعیت متحدتری قرار میگیرند با اعتماد بنفس بیشتر و آمادگی و روحیه بالاتری در سطح کشور قرار میگیرند.

این یکی از مهمترین اتفاقاتی است که باید اول مه بیفتد. اگر دولت میتواند جلو اینهمه اعتصاب و تجمع را بگیرد، جلو شعاریه اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه را بگیرد، جلو شعار زیر بار ستم نمیکنیم زندگی که کارگران هپکو در خیابان های اراک و سپس بازنشسته ها در مقابل مجلس فریاد میزدند را، بگیرد. جلو خیلی چیزها را خواسته اند بگیرند و نتوانستند. جلو تجمع کارگران در اول مه را هم نمیتواند بگیرد که روز همه کارگران و مردم است و حتی خود حکومت هم مجبور شده بدرجه ای آنها به رسمیت بشناسد و شوراها را اسلامی وابسته به حکومت هم برنامه برگزار میکنند. در نتیجه از هر نظر این امکان و این فضا برای اول مه وجود دارد. کسی نمیتواند جلو کارگران بافق و چادرمو و ایران ترانسفو و المهدی در هرمزگان و تهران و استانهای مرکزی و آذربایجان و خوزستان و کردستان و غیره را بگیرد که خانواده های

کرد که با توجه به موقعیتی که امروز در آن قرار داریم، بتوانیم يك اول مه گسترده و اجتماعی را سازمان دهیم؟ انتظار شما از اول مه چیست و چه تاکیدات دیگری دارید؟

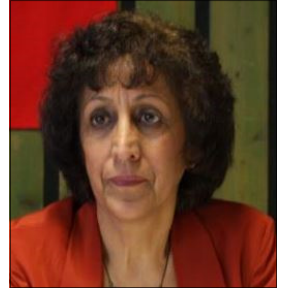
اصغر کریمی: همانطور که اشاره کردم ببینیم چه بخش هایی از کارگران در سال گذشته اعتراض داشته اند که بعضا به گوشه ای از خواست هایشان هم رسیده اند مثلاً ۵ ماه حقوق معوقه داشته اند موفق شده اند با اعتراض خود دو سه ماه آنرا بگیرند. یا موفق شده اند جلو بستن کارخانه یا برخی اخراج ها را بگیرند. اما خواست های کارگران سر جای خود هست خطر اخراج، دستمزدهای پایین، ندادن دستمزدها، پرونده های مختلفی که علیه فعالین اعتصابات در بافق و چادرمو و مراکز مختلف درست شده و شمشیر زندان و پرونده را بالای سر کارگران نگهداشته اند که همه این پرونده ها باید لغو شود و فعالیت برای متشکل کردن کارگران بدون هزینه باشد، در واقع میلیون ها کارگر از مراکز مختلف کارگری، معلمان، صدها هزار بازنشسته چه معلمان چه کارگران وابسته به سازمان تامین اجتماعی یا فولاد و غیره، و خانواده های آنها که در سال گذشته خیلی پرشور در تجمعات اعتراضی شرکت داشتند و این خصلتنامی جنبش کارگری در سال قبل بود، اول مه هم که روز همه اینها است انتظار میروند جمع شوند، جشن بگیرند، حالت شادی داشته باشند، مردم را از خواست هایشان و وضعیت خودشان مطلع کنند و به صفوف خود دعوت کنند، و نه تنها آنها بلکه در هر شهری بازنشسته ها و معلمان و دانشجویان و جوانان جویای کار هم هستند و این مهمترین قدمی است که اگر بخواهیم يك اول مه بزرگ و

شده است و تحت پیگرد قرار گرفته اند، بسته شود و باید احکام صادر شده زندان برای آنان لغو شود و باید تمامی آنهايي که در زندان آزاد شوند و پیگردها متوقف شود. این مهم است که دوباره اتحادیه آزاد معلمان و کارگران را فراخوان میدهد که بیاید با مبارزه متحد خود با همان خواستها در آستانه روز جهانی کارگر جلو بیاییم و روز جهانی کارگر را برگزار کنیم. همینطور کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری بیانیه خود را به مناسبت روز جهانی کارگر داده است که يك بند آن اتفاقاً مربوط به همین موضوع است و در آن دیگر خواستهای مشخص قطعنامه های کارگران که اساساً اعتراض به زندگی زیر خط فقر، تبعیض و نابرابری و خواست داشتن يك زندگی انسانی است. و میدانیم که نفس اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات و جوهر اساسی آن یعنی تاکید بر حق تشکل، حق اعتصاب و دیگر آزادیهای سیاسی پایه ای در جامعه. خصوصاً در اوضاع امروز جنبش کارگری که می بینیم در آستانه تحول عظیمی قرار داریم برای امر تشکلیایی توده ای کارگری. بنابراین اگر خواست خاتمه دادن به امنیتی کردن مبارزات را به موضوع ایجاد تشکلهای توده ای کارگری چفت کنیم می بینیم که این خواست چه جایگاه مهمی در پیشبرد امر تشکلیایی کارگری دارد. همینطور جمع هایی از کارگران بیانیه هایی داده اند. از جمله هم اکنون پنج جمع کارگری از جنوب و کرج و غیره بیانیه داده اند و خواستهایی را به مناسبت روز جهانی کارگر اعلام کرده و به استقبال این روز رفته اند. اما برویم سراغ سوالاتمان.

اصغر کریمی: قدم بعدی چیست؟ چه کارهای دیگری باید

سراسر کشور، از کردستان و آذربایجان و خراسان و گیلان و مازندران و قم و شهرهایی دیگر بیانیه مشترک به مناسبت روز جهانی کارگر داده اند، تشکل های کارگری دیگری مثل اتحادیه آزاد و کمیته پیگیری و هماهنگی و کانون مدافعان و سندیکای هفته تپه و سندیکای واحد و غیره هم یا بیانیه داده اند یا تحرکاتی را شروع میکنند. اسماعیل عبدی از فعالین سرشناس کانون صنفی معلمان از زندان اعلام کرده است که از روز ده اردیبهشت دست به اعتصاب غذا میزند، ده اردیبهشت سالروز بیانیه مشترک او و جعفر عظیم زاده است که در آستانه اول مه منتشر شد که به امنیتی کردن اعتراضات کارگران و معلمان اعتراض کرده بودند. امسال هم در آستانه اول مه کم و بیش با همان خواست ها بیانیه ای منتشر کرده و به استقبال اول مه رفته است. این تحرکات شروع شده و تا اول مه تحرکات بیشتر میشود. و انتظار میروند امسال در مراکز مختلف کارگری که در سال گذشته اعتراضات متعددی داشته اند شاهد تحرك بالایی باشیم.

شهلا دانشفر: در کنار این تحرکاتی که اشاره کردید، بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران است، در سالگرد بیانیه مشترک اسماعیل عبدی و جعفر عظیم زاده از زندان در سال گذشته در آستانه اول مه دادند و بیانیه مهمی بود که جنبشی به راه انداخت. این جنبشی بود علیه فقر، علیه ریاضت اقتصادی، علیه دستمزدهای چند بار زیر خط فقر و با تاکید بر اینکه باید به امنیتی کردن مبارزات خاتمه داد. باید پرونده های امنیتی علیه فعالین کارگری، معلمان و بخش های مختلف جامعه که بخاطر مبارزاتشان برای آنها باز



شهلا دانشفر: در شرایط ویژه ای به طرف روز جهانی کارگر میرویم. سالی پر از تحرك و اعتراض و مبارزه را پشت سر گذاشته ایم و فضای محیط های کارگری و کل جامعه را می بینیم. در این شرایط می بینیم که تحرکاتی برای برگزاری روز جهانی کارگر هست، در میان کارگران، تشکلهای کارگری، فعالین کارگری، در زندان و در سطوح مختلف، قبل از هر چیز خوبست نگاهی به این تحرکات بکنیم. چه خبر است؟

اصغر کریمی: با توجه به اینکه یکسال گذشته پرتحرک ترین دوره جنبش کارگری در تاریخ ایران بوده، و چند هزار تجمع و اعتصاب کارگری صورت گرفته، معلمان و بازنشستگان بعنوان مثال خیلی حضور اعتراضی فعالی داشتند بنابراین انتظار میروند که اول مه بسیار پرشوری داشته باشیم و طیف وسیعی از کارگران و خانواده های کارگری و مردم در تجمعات شرکت کنند. انتشار بیانیه ها شروع شده، ۱۷ نفر از زندانیان سیاسی مثل بهنام ابراهیم زاده، سعید ماسوری، حسن صادقی و تعدادی دیگر که بیانیه خیلی خوبی منتشر کرده اند، خواست هایشان را مطرح کرده اند، به امنیتی کردن اعتراضات و سیستم قضایی و کل این وضعیت اعتراض کرده اند، و گفته اند این بیانیه فقط اعتراض ما نیست بیان اعتراض همه مردم به این وضعیت است. اتفاق جالب دیگر اینکه حدود ۴۰ انجمن کارگران ساختمانی از

برای مقابله با خارجی ستیزی و راسیسم باید سکوت در مقابل جنبش اسلامی را شکست!

مصاحبه با مینا احدی



انترناسیونال: شما در این میتینگ سخنرانی کردید، چه گفتید؟

مینا احدی: مضمون سخنرانی من این بود که سیستم کاپیتالیستی به بن بست رسیده، در دنیایی که همه امکانات مادی و یا معنوی برای ساختن یک دنیای بهتر فراهم است امروز ما با پدیده هایی به اسم ترامپسیسم و یا احزابی همانند حزب فاشیستی و دست راستی لوپن و یا آلترناتیو برای آلمان و گرت خیلدرز و غیره روبرو هستیم. اینها خود بیانگر به بن بست رسیدن نظام موجود هستند و باید با اتکا مبارزات مردم و کارگران در همه جا فکری بحال این وضع کرد. در ادامه گفتم من نماینده حزب کمونیست کارگری ایران هستم و حزب ما در ایران و همچنین در دنیا ساهاست علیه اسلام سیاسی و حکومت فاشیست اسلامی مبارزه میکند، اینها دو روی یک سکه هستند، کنار آمدن با جنبش اسلامی به نام دفاع از حقوق اقلیت ها سیاست راسیستی وارونه ای است که باید پایان یابد، هر نوع مقابله با احزاب دست راستی امروز در اروپا که بر پایه نفرت پراکنی علیه بیگانگان و بویژه مسلمانان متکی است، باید متکی بر نقد اسلام سیاسی و جنبش اسلامی و در دفاع از مدرنیته و حقوق فردی افراد باشد و در پایان گفتم در همه جا در این کشورهای اسلام زده مبارزه علیه این حکومتها و جنبش اسلامی در جریان است که آنرا باید دید و در همه جا باید دست به دست هم دهیم و دنیای بهتری را بسازیم.

انترناسیونال: با تشکر از مینا احدی

فضای تظاهرات چگونه بود؟

مینا احدی: بله ما از طرف حزب کمونیست کارگری آنجا بودیم با شعارهای نه به ترامپسیسم، نه به اسلام سیاسی و نه به کاپیتالیسم و انواع شعارها در دفاع از حق پناهندگی و علیه خارجی ستیزی. نکته مهم در این تظاهرات و فضای مسلط این بود که فراخوان از سوی احزاب رسمی و یا اتحادیه کارگری و سازمانهایی داده شده بود که در شهر کلن کارناوال برگزار میکنند و به نوعی در ابعادی توده ای مردم میگفتند نه به راسیسم، با رقص و شعارهایی که فضای کاملا انسانی داشت، جوانان بسیار در این میتینگها فعال بودند و شهر چهره بسیار انسانی بخود گرفته بود. ولی احزاب رسمی و از جمله سوسیال دموکراتها و حزب سبز که در استان نوردراین وستفالن، که کلن در این استان است، آنها قدرت را در دست دارند و از دست اندرکاران اصلی بودند. در میتینگ پایانی شهردار سخنرانی کرد که خود قربانی حمله راسیستها بود قبلا و یک نفر با چاقو به او حمله کرده بود بدلیل دفاع این خانم از پناهندگان، ولی در عین حال همه میدانند که این احزاب مالتی کالترالیست هستند و حجاب را حق کودکان میدانند و یا مسجد سازی و حتی جدا سازی استخرها را می پذیرند با این توجیه که فرهنگ مسلمانها با ما فرق دارد و اینها اقلیت هستند و باید از این حقوق آنها هم دفاع کرد.

بهر حال فضای میتینگ بشدت انسانی و در دفاع از حقوق مردم و علیه راسیسم بود ولی حتی یک شعار در مقابل جنبش اسلامی و یا حجاب و برقع و غیره در بین نبود، چرا این موضوع مهم هست بدلیل اینکه حزب آلترناتیو برای آلمان با انگشت گذاشتن روی این معضلات مردم را جمع کرده و اگر کسی و یا حزبی میخواهد این فرس را از زیر پای حزب مزبور کنار بکشد باید در مورد این معضل حرف بزند و نه اینکه آنرا زیر فرس کند.

حزب آلترناتیو برای آلمان در روز شنبه ۲۲ آوریل کنگره خود را در شهر کلن آلمان برگزار کرد در مقابل هتل محل برگزاری این کنگره و در سراسر شهر کلن دو روز میتینگ و تظاهرات و کنسرت و برنامه های متعددی علیه این حزب و بویژه فضا سازی و تبلیغات ضد خارجی و ضد پناهندگی این حزب برگزار شد که در این مورد با مینا احدی گفتگو میکنیم.

انترناسیونال: اولین سوال ما اینست که شنبه در کلن آلمان چه خبر بود؟

مینا احدی: حزب آلترناتیو برای آلمان حزبی است که متحد لوپن در فرانسه و مدافع سرسخت سیاستهای ترامپ و همه احزاب دست راستی در اروپا است. این حزب تبلیغات شدیدی علیه اتحادیه اروپا میکند و خواهان جدایی از اروپا، بشدت ناسیونالیست و در عین حال همواره با نشان دادن قدرت و نفوذ مساجد و جنبش اسلامی در اروپا و یا سیاست مماشات دولت آلمان با سازمانهای اسلامی، به تبلیغ علیه اسلام و سازمانهای اسلامی و میلیونها نفر مردم منتسب به این مذهب دست میزند و خواهان اخراج پناهجویان و مدافع راسیسم علنی و ضد انسانی علیه پناهندگان و فراریان از کشورهای اسلام زده است.

این حزب که اخیرا در آلمان نفوذ بیشتری پیدا کرده با ۲۵ هزار عضو، کنگره خود را با حضور ۶۰۰ نماینده در هتل ماریتیم در مرکز شهر کلن سازمان داده بود از چند ماه قبل، بحث در رسانه ها بالا گرفته بود که نباید اجازه داد راسیست ها در این شهر کنگره برگزار کنند و بالاخره بعد از مباحثات فراوان، اعلام شد که کنگره در هتل مزبور برگزار میشود، چرا که قانونا کسی نمیتواند جلوی آنرا بگیرد ولی در مقابل این کنگره و در خیابانهای اطراف همه جا تظاهرات میشود.

انترناسیونال: شما هم در آنجا حضور داشتید. چه کردید و کلا

جمهوری اسلامی، دفتر جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان را پلمپ کرد!

لوازم و نوشت افزار به کلیه دانش آموزان واحد، فعالیت های هنری، فشار به وزارت آموزش و پرورش جهت رایگان و اجباری سازی تحصیل کودکان، نقد ساختار آموزش و پرورش در کشور به مثابه یکی از عوامل اصلی بازتولید کار کودک و نیز نقد محتوای کتب آموزشی، آموزش نیروهای اجتماعی به منظور شناخت شرایط کودکان کار و خیابان، آموزش خانواده های کودکان کار به منظور بهبود بستر زیستی این کودکان و ارتباط با مراکز فنی و حرفه ای و آموزش مهارت به کودکان کار و خیابان از جمله فعالیت های این نهاد بوده است. این نهاد خواهان آموزش اجباری و رایگان برای کودکان، بهداشت رایگان و لغو کار کودک است که خواست عمومی جامعه است.

جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، انجمن دوستداران حقوق کودک در تبریز و نهادهای مشابه شایسته ترین حمایت هستند. جمهوری اسلامی را باید شدیدا محکوم کرد و فشار آورد که نه تنها دست از اقدام سرکوبگرانه خود بردارد و آزادی این دو مرکز را به رسمیت بشناسد بلکه امکانات لازم در اختیار آنها و کلیه نهادهای مدافع حقوق کودک قرار دهد. دفاع از تشکل های غیر دولتی مدافع حقوق کودک و کلیه تشکل ها و نهادهای پیشرو و مستقل از دولت باید به یک خواست سراسری توسط کارگران، معلمان و دانشجویان و کلیه مردم آزادخواه و از جمله قطعنامه های اول مه قرار گیرد و مردم و بویژه معلمان اعم از شاغل و بازنشسته قاطعانه و با تمام امکانات از این نهادها و اهداف و فعالیت های انسانی آنها حمایت کنند و فعالیت های ارزشمند آنها را تقویت کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۶، ۲۳ آوریل

۲۰۱۷

طبق اطلاعاتی ای که جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان منتشر کرده است، روز ۳۱ فروردین دفتر این مرکز توسط معاونت بر نظارت پلیس اطلاعات و امنیت عمومی پلمپ شد. وزارت کشور مجوز آنها را تمدید نکرده و حالا به بهانه نداشتن مجوز دفتر این نهاد را پلمپ کرده است.

با اینحال فعالین این نهاد ۵۰۰ خانواده ای که تحت پوشش این مرکز هستند تنها مکان سوادآموزی و توانمندسازی را از دست داده اند اما فعالین این نهاد برخی کلاس های خود را در پارک نزدیک جمعیت دارند برگزار میکنند تا کودکانی که اغلب مهاجر و کودک کار هستند از پیرویه آموزش عقب نمانند. مدتی قبل نیز، جمهوری اسلامی مجوز فعالیت انجمن دوستداران حقوق کودک در تبریز با بیش از یک دهه فعالیت لغو کرد.

اقدام جمهوری اسلامی فقط یک چیز را نشان میدهد: دشمنی عمیق با کودک، با سوادآموزی به کودکان کار و با کودکان مهاجر. جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان در طول حدود ۱۵ سال فعالیت خود نقش بسیار بزرگی در سوادآموزی هزاران کودکی که امکان تحصیل در مدارس دولتی نداشته اند و در مقابله با کار کودک داشته و با استفاده از کمک های مردمی و کمک جوانان و معلمان شریف و انسان دوستی که داوطلبانه بخشی از وقت خود را در اختیار این نهاد گذاشته اند، فعالیت های انسانی خود را به پیش برده است.

"به امید جهانی شایسته کودکان، چرا که جهان شایسته کودکان، شایسته همگان خواهد بود." این شعار محوری جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان است که اهداف انسانی حاکم بر آنرا نشان میدهد. ایجاد کلاس های سوادآموزی برای کودکان کار محروم از تحصیل، برگزاری کلاس های مهارت زندگی به کودکان کار و خیابان، ارائه

کارگران در هفته ای که گذشت

قطعنامه های اول مه، پلاتفرم مبارزات متحد کارگران برای سال ۹۶

شهلا دانشفر

یک قطعه قوت اول ماه مه ها در ایران قطعنامه هایی است که به مناسبت این روز منتشر میشود. قطعنامه هایی که بطور واقعی خواستهای کل جامعه را نمایندگی میکند. بویژه امروز با تحریک بیسابقه جنبش کارگری و ثقل سنگین آن در فضای سیاسی جامعه، قطعنامه های کارگری بطور واقعی میتواند پلاتفرم مبارزه متحد کل کارگران و کل جامعه برای خواستهای سراسری باشد. ضمن اینکه امسال نیز کارگران در تحریک برای برگزاری اول مه ماه روز جهانی کارگر هستند.

قطعنامه مشترک ۶ تشکیل کارگری اتحادیه آزاد کارگران ایران، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، سندیکای کارگران نقاش استان البرز، کانون مدافعان حقوق کارگر، کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری، انجمن صنفی کارگران ساختمانی مریوان و قطعنامه مشترک سندیکای واحد، سندیکای نیشکر هفت تپه و کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری که خواستهای مشترکی محور هر دوی آنهاست، به مناسبت روز جهانی کارگر یک نقطه درخشان در تدارک روز جهانی کارگر است. قطعنامه هایی که بطور واقعی خواستهای کل جامعه را بیان میکند و میتواند متحد کننده صف اعتراض بخش های مختلف کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، دانشجویان و همه مردم تحت ستم و استثمار جامعه باشد. از جمله قطعنامه ۶ تشکیل کارگری سرسختن تاکید بر اتحاد کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و دانشجویان و رفتن بسوی اعتراضات متحدانه و سراسری برای پایان دادن به ظلم و ستم و نابرابری، و برپایی تشکلهای مستقل محلی و سراسری کارگران است. اگرچه یک اتفاق مهم میتوانست این باشد که تمامی تشکلهایی که پای این دو قطعنامه را امضا کرده اند، صف واحدی را تشکیل میدادند و خواستهای

مشترکشان را در یک قطعنامه واحد انتشار میدادند و کل کارگران را به مبارزه متحد حول آن خواستها فرا میخواندند. و نه تنها این بلکه تمامی نهادهای مبارزاتی در عرصه های مختلف اجتماعی از جمله تشکلهای دفاع از حقوق زن، دفاع از حقوق کودک، اعتراض علیه تخریب محیط زیست، تمامی گروههای مبارزاتی شکل گرفته از سوی کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، دانشجویان و بخش های مختلف جامعه همه و همه امضای خود را پای قطعنامه مشترک کارگران به مناسبت روز جهانی کارگر میگذاشتند و اعلام میکردند که خواستهای قطعنامه کارگران، خواستهای آنها نیز هست و آنها پلاتفرم مبارزات متحد و سراسری خود میدانند. و این چنین است که چهره اجتماعی روز جهانی کارگر علیه سرمایه داری قدرتمند تر به نمایش در می آید. چطور که نگاهی به مبارزات سال گذشته، کارگران، معلمان، بازنشسته، پرستاران، دانشجویان و شعارهای واحد اعتراضاتشان، بطور واقعی نشان میدهد که این همبستگی در میان بخش های مختلف کارگری وجود دارد و هر روز بیشتر میشود. نفس اینکه کارگران چنین روشن و متعین خواستهایشان را بیان میکنند و با خواستهای کل جامعه جلو آمده و ابراز وجود سیاسی میکنند. و نفس اینکه محور های مشترکی این قطعنامه ها را به هم پیوند میدهد، خود یک اتفاق مهم است. خواستهای این قطعنامه ها میتواند پلاتفرم عملی ای برای شروع یک مبارزه متحد و سراسری برای همه کارگران و کل جامعه در سال ۹۶ باشد.

قطعنامه های منتشر شده از سوی تشکلهای کارگری به مناسبت روز جهانی کارگر با اشاره به اعتراضات گسترده و بیسابقه کارگران، معلمان و دیگر اقشار زحمتکش جامعه علیه فقر و فلاکت و ستم و تبعیض، با اشاره به

مبارزات درخشان کارگران و راهپیمایی های شورانگیزشان با خانواده ها در خیابانها در طول سال گذشته و اعتراضات سراسری بخشهای مختلفی چون معلمان، دانشجویان، بازنشستگان، کارگران نفت و غیره و غیره بر علیه فقر و فلاکت و ستم و تبعیض از موج غیر قابل برگشت اعتراضات گسترده کارگری سراسر کشور نوید میدهد. اعتراض این قطعنامه ها به فقر، تبعیض و نابرابری است و خواستار یک زندگی شایسته انسان است. اعتراض این قطعنامه ها به دستمزدهای چند بار زیر خط فقر و محرومیت کارگران از هر گونه تامین اجتماعی است. اعتراض این قطعنامه ها به محرومیت کارگران از حق تشکیل، حق اعتصاب، حق آزادی بیان، به سرکوب مبارزات کارگران، معلمان و توده های محروم جامعه برای داشتن یک زندگی انسانی با انگ های امنیتی است. در این قطعنامه کارگران با محکوم کردن هر گونه سیاست جنگ افروزان از سوی تمامی دولتها و جریانهای جنگ طلب در منطقه خاورمیانه که هزینه های اقتصادی و جانی آن تماما بر دوش ما کارگران و زحمتکشان است، همبستگی خود را با کارگران جهان اعلام کرده و بر تحقق خواستهای حداقلی خود برای برون رفت از شرایط غیر قابل تحمل موجود تاکید کرده اند. کارگران در این قطعنامه ها بطور واقعی کل بساط توحش و بربریت سرمایه داری در ایران و در جهان را به چالش کشیده اند. از همین رو این قطعنامه ها صدای اعتراض همه کارگران و کل جامعه و و بیان کننده خواستهایشان است.

تاکید هر دو قطعنامه بر افزایش فوری حداقل دستمزدها به اندازه سید هزینه اعلام شده دولت است. که به ارقام ۴ میلیون و ۴ میلیون و نیم تاکید و مطابق با استانداردهای زندگی امروزی تاکید شده است. و محور مشترک خواست آنها اعتراض به دستمزدهای زیر خط فقر است.

همچنین پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات مردم و ممنوعیت تعقیب قضائی و وارد کردن اتهامات امنیتی نسبت به فعالیتهای صنفی، سیاسی و مدنی، لغو مجازات اعدام و شلاق، لغو کلیه احکام صادره بر علیه فعالین کارگری، معلمان و دیگر جنبشهای آزادیخواه و عدالت طلب و آزادی بی قید و شرط همه فعالین کارگری، معلمان و فعالین سیاسی و اجتماعی در بند، آزادی بی قید و شرط ایجاد تشکلهای مستقل، اعتصاب، اعتراض، راهپیمایی، تجمع، اندیشه و بیان، احزاب و مطبوعات، برقراری بالاترین استانداردهای ایمنی کار در تمامی محیطهای کارگری، برچیده شدن تمامی قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و برابری کامل و بی قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی، به رسمیت شناخته شدن حق شهروندی برای مهاجرین افغانستانی و دیگر مهاجران و منع هر گونه اعمال تبعیض آمیز علیه آنان، برچیده شدن قراردادهای موقت و سفید امضا و واسطه های کاری و پیمانکاران از محیط های کار، بیمه بیکاری و دیگر بیمه های اجتماعی چون درمان رایگان و تحصیل رایگان برای همه، پرداخت فوری معوقات کارگران، بازنشستگان، معلمان و کارمندان بخش خصوصی و دولتی، همراه با خسارت دیرکرد و تصویب قانونی برای جرم دانستن عدم پرداخت بموقع دستمزدها، توقف اخراجها، پایان دادن به تحمیل محرومیت و بردگی بیشتر به کارگران تحت عنوان مناطق ویژه اقتصادی، محاکمه غارتگران صندوقهای بازنشستگی و جبران خسارتهای وارده به آنها، ممنوعیت کار کودکان و تامین معیشت آنها فارغ از تعلق خانوادگی، جنسیت، قومیت و مذهبان مطابق با استانداردهای پیشرفته امروزی، و بالاخره تعطیلی روز جهانی کارگر و گنجانده شدن آن

در تقویم رسمی کشور و لغو هرگونه محدودیتی برای برگزاری مراسم این روز رنوس اصلی خواستهای قطعنامه های تشکل کارگری به مناسبت روز جهانی کارگر به عنوان حداقلهایی برای برون رفت از شرایط غیر قابل تحمل موجود زیر است.

قبلا نیز ۵ جمع کارگری از جمله جمعی از کارگران پتروشیمی های منطقه ماهشهر و بندر امام، جمعی از کارگران محور تهران - کرج، کارگران پروژه های پارس جنوبی، فعالان کارگری شوش و اندیمشک و فعالان کارگری جنوب با انتشار قطعنامه مشترکی بر خواستهای مشابهی با دو قطعنامه دیگری که به مناسبت روز جهانی کارگر انتشار یافته، تاکید گذاشته اند.

کانون نویسندگان ایران نیز طی بیانیه ای روز جهانی کارگر را گرامی داشته و در سرسختن چنین مینویسد: "دفاع نویسندگان از منافع کارگران دفاع از منافع خودشان است؛ همچنان که پشتیبانی کارگران از آزادی بیان حمایت از حق آزاد زیستنشان است... در قسمتی از بیانیه آنها چنین آمده است: "در ایران به موازات فرو کاستن بی وقعی سطح معیشت کارگران از خط حداقلها به خط فقر و از مسکنت به خط بقا که سرمنشا بسیاری از رنجها و تباهیهاست، مقابله با آن نیز شدت و گسترش یافته است. در یکی دو سال اخیر تقریبا هیچ روزی نبوده است که کارگران بخش های مختلف برای دستیابی به خواسته ها و مطالبات معوق خود به خیابان نیامده و با بگیر و ببند و پرونده سازی و شلاق حاکمیت روبرو نشده باشند؛ از این رو خواست آزادی بیان بی هیچ حصر و استثنا و لغو همه ی اشکال سانسور فقط امر نویسندگان نیست بلکه به کارگران نیز مربوط است تا دیگر به صرف بیان اعتراض، پیگیری خواستها و ایجاد تشکل محاکمه و زندانی نشوند." در پایان کانون نویسندگان این روز را به

قطعه‌نامه مشترک تشکل‌های مستقل کارگری به مناسبت روز جهانی کارگر ۱۳۹۶

گرامی باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران، مستحکم باد اتحاد کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و دانشجویان، پیش به سوی اعتراضات متحدانه و سراسری برای پایان دادن به ظلم و ستم و نابرابری، پیش به سوی برپائی تشکلهای مستقل محلی و سراسری.

امسال ما تشکلهای و نهادهای مستقل کارگری در حالی دوشادوش هم صفی متحد را به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر شکل داده ایم که جنبش عظیمی در جای جای کشور بر علیه فقر و فلاکت و ستم و تبعیض در جریان است و مبارزات عدالتخواهانه کارگران و معلمان و دیگر اقشار زحمتکش جامعه به نحو کم سابقه‌ای در حال سازمانیابی بیشتر، آگاهانه‌تر شدن و سراسری شدن است.

راهپیمائیهای اعتراضی کارگران همراه با خانواده‌هایشان در خیابانها، شکل‌گیری صفی متحد و سراسری در میان کارگران، دانشجویان، روزنامه‌نگاران، وکلا، معلمان و اساتید دانشگاه در مبارزه علیه لایحه اصلاحیه قانون کار، اعتراضات سراسری کارگران برق و مخابرات و معلمان شاغل و بازنشسته، تجمعات بی وقفه و متحدانه بازنشستگان لشکری و کشوری، شکل‌گیری اعتراض در شرکت ملی نفت و دیگر صنایع کلیدی و اعتراضات گسترده علیه امنیتی کردن فعالیت‌های صنفی و مدنی، نموده‌هایی از این سازمانیافتگی، آگاهی و سراسری شدن مبارزات کارگران و زحمتکشان است که می‌رود جنبش کارگری ایران را در جدالی آشتی‌ناپذیر و تعیین کننده با وضعیت فلاکت‌بار موجود قرار بدهد.

چنین سطح کم سابقه‌ای از مبارزات متحدانه و سراسری بخشهای مختلف طبقه کارگر در شرایطی با شتاب فزاینده‌ای در حال گسترش است که سرمایه داری بحران زده ایران بر بستر ناتوانی و عمز و درماندگی از پاسخ به معضلات حاد اقتصادی و

سیاست انجماد قانونی حداقل مزد و تحمیل بی حقوقی مطلق بر طبقه کارگر را در پیش گرفته است. در حالیکه که نهادهای شدن قراردادهای موقت و شرکتهای پیمانکاری، کارگران و کارمندان زحمتکش بخش خصوصی و دولتی را به بردگی کشانده و بیکاری و دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و عدم پرداخت بومق دستمزدها، میلیونها خانواده کارگری را به مرز بی‌تامینی مطلق سوق داده و بر این بستر، پدیده‌های ضد انسانی همچون کارتن خوابی و گور خوابی، کار کودکان، اعتیاد، تن فروشی و تباه شدن آینده جوانان بیداد میکند، تازه می‌خواهند تا با ایجاد تغییرات ضد کارگری بیشتر در قانون کار، تصویب انواع لوایح ضد کارگری در مجلس شورای اسلامی و نهادهای فخر و فلاکت از طرق مختلفی همچون موجه خواندن کلیه فروشی برای رفع مشکلات اقتصادی اقشار فرودست جامعه، بیش از پیش منافع چپاولگرانه خود را تامین کنند.

ناتوانی بی سابقه سرمایه داری حاکم بر ایران در حل معضلات حاد اقتصادی و در پیش گرفتن سیاست تحمیل بی حقوقی و فقر و فلاکت هر چه بیشتر بر طبقه کارگر به علاوه سیاست تشدید سرکوب اعتراضات کارگری و امنیتی کردن فعالیت‌های صنفی و مدنی به عنوان یگانه پاسخ حکومتگران به مطالبات انباشته کارگران و دیگر اقشار زحمتکش جامعه، مجموعه عوامل غیر قابل انکاری هستند که بر متن آن مبارزات بی وقفه کارگران و زحمتکشان ایران، هر دم متحدانه‌تر، سراسری‌تر و تعیین کننده‌تر به پیش خواهد رفت. بدیهی است با تداوم وضعیت موجود، موج غیر قابل برگشتی از اعتراضات گسترده کارگری سراسر کشور را در بر خواهد گرفت.

ما امضا کنندگان این قطعه‌نامه با تاکید بر صلح جهانی و محکوم کردن هر گونه سیاست جنگ افروزان از سوی تمامی دولت‌ها و جریان‌ها جنگ طلب در منطقه خاورمیانه که

هزینه‌های اقتصادی و جانی آن تماما بر دوش ما کارگران و زحمتکشان است، همبستگی خود را با کارگران جهان اعلام میکنیم و با هشدار نسبت به تداوم وضعیت فلاکت‌بار کنونی، بر تحقق خواسته‌های زیر به عنوان حداقل‌هایی برای برورفت از شرایط غیر قابل تحمل موجود پای می‌فشاریم.

۱- افزایش فوری حداقل دستمزد بر اساس سید هزینه مطابق با استانداردهای زندگی امروزی (امسال، چهار میلیون و پانصد هزار تومان) و پرداخت بیمه بیکاری به کارگران بیکار و جوانان آماده کار به میزان حداقل مزد

۲- پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات صنفی و مدنی، ممنوعیت تعقیب قضائی و وارد کردن اتهامات امنیتی نسبت به فعالیتهای صنفی، سیاسی و مدنی، لغو مجازات اعدام و شلاق، لغو کلیه احکام صادره بر علیه فعالین کارگری، معلمان و دیگر جنبشهای آزادیخواه و عدالت طلب و آزادی بی قید و شرط همه فعالین کارگری، معلمان و فعالین سیاسی و اجتماعی در بند

۳- آزادی بی قید و شرط ایجاد تشکلهای مستقل، اعتصاب، اعتراض، راهپیمائی، تجمع، اندیشه و بیان، احزاب و مطبوعات

۴- پرداخت فوری مطالبات معوق کارگران، بازنشستگان، معلمان و کارمندان بخش خصوصی و دولتی، همراه با خسارت دیر کرد و تصویب قانونی برای جرم دانستن عدم پرداخت حقوق و مزایا

۵- تامین امنیت شغلی و توقف اخراج سازه‌ها، بر چیده شدن قراردادهای موقت و سفید امضا، برچیده شدن شرکتهای تامین نیروی انسانی و پیمانکاری، قرار گرفتن کلیه کارگران شاغل در کارگاه‌های کوچک، مناطق آزاد و ویژه تحت پوشش کامل قانون کار و اجرای بیمه کارگران ساختمانی

۶- قطع دست دولت از صندوقهای بازنشستگی، سپردن اختیار صندوق سازمان تامین اجتماعی و دیگر صندوقهای بازنشستگی به هیات امنایی از نماینده های منتخب اعضا، محاکمه غارتگران صندوقهای بازنشستگی و جبران خسارتهای وارده به آنها

۷- با توجه به ضد کارگری بودن قانون کار موجود، این قانون باید تغییر و هر گونه اصلاح و دست بردن در آن بایستی از طریق وسیع ترین اطلاع رسانی به کارگران و با دخالت مستقیم نماینده های منتخب مجامع عمومی آنان در سراسر کشور صورت بگیرد

۸- ممنوعیت کار کودکان و فراهم

کردن امکانات زندگی، تحصیل رایگان و برابر برای همه کودکان فارغ از تعلق خانوادگی، جنسیت، قومیت و مذهب مطابق با استانداردهای پیشرفته امروزی

۹- برقراری بالاترین استانداردهای ایمنی کار در تمامی محیطهای کارگری

۱۰- بر چیده شدن تمامی قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و برابری کامل و بی قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی

۱۱- به رسمیت شناخته شدن حق شهروندی برای مهاجرین افغانستانی و دیگر مهاجران و منع هر گونه اعمال تبعیض آمیز علیه آنان

۱۲- اول ماه مه روز جهانی کارگر باید تعطیل رسمی اعلام و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی شود

اسامی تشکلهای امضا کننده به ترتیب حروف الفبا:

اتحادیه آزاد کارگران ایران
انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه
سندیکای کارگران نقاش استان البرز
کانون مدافعان حقوق کارگر
کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری



بیانیه مشترک سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی همراه با سندیکای کارگران کشت نیشکر هفت تپه و کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری، به مناسبت روز جهانی کارگر

اول ماه مه، روز جهانی کارگر روز اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران در سرتاسر دنیا را در شرایطی گرامی می داریم که فاصله طبقاتی و شکاف میان سرمایه داران و کارگران به بالاترین حد خود رسیده و روز به روز نیز بر شدت و حدت آن افزوده می شود. تعمیق و تشدید بیش از پیش تضادهای طبقاتی و افزایش روزافزون درآمد و ثروت اقلیتی از سرمایه داران و صاحبان قدرت، در مقابل تشدید فقر و فلاکت فزاینده ی اکثریت عظیمی از کارگران و توده های مردم محروم و تحت ستم جهان، نمایشی از چهره عریان و آشکار بربریت و توحشی است که نظام گنبدیده و ضدکارگری سرمایه داری، برای اکثریت قریب به اتفاق کارگران و بشریت امروز به ارمغان آورده است. در واقع تحت سلطه و حاکمیت یک چنین مناسبات و البته در سایه ی سلطه یک چنین نظام و سیاست هایی است که به ویژه در اوضاع و احوال کنونی جهان، از یک سو به شکل لجام گسیخته و سرسام آوری بر درایی ها و ثروت سرمایه داران افزوده می شود و از سوی دیگر، کارگران (همه ی آنان که کار می کنند و با کار و تولید خود رفاه و آسایش را برای احاد بشر فراهم می آورند) هر روز فقیرتر و بی چیزتر شده و به فقر، خانه خرابی و فلاکت کشانده می شوند. بی جهت نیست که بر اساس جدیدترین گزارش مؤسسه غیر دولتی آکسفام، دارای تنها هشت نفر از ثروتمندترین های جهان با دارایی بیش از ۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون نفر از جمعیت جهان برابری می کند.

اول ماه مه، روز جهانی کارگر روز اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران در سرتاسر دنیا را در شرایطی گرامی می داریم که فاصله طبقاتی و شکاف میان سرمایه داران و کارگران به بالاترین حد خود رسیده و روز به روز نیز بر شدت و حدت آن افزوده می شود. تعمیق و تشدید بیش از پیش تضادهای طبقاتی و افزایش روزافزون درآمد و ثروت اقلیتی از سرمایه داران و صاحبان قدرت، در مقابل تشدید فقر و فلاکت فزاینده ی اکثریت عظیمی از کارگران و توده های مردم محروم و تحت ستم جهان، نمایشی از چهره عریان و آشکار بربریت و توحشی است که نظام گنبدیده و ضدکارگری سرمایه داری، برای اکثریت قریب به اتفاق کارگران و بشریت امروز به ارمغان آورده است. در واقع تحت سلطه و حاکمیت یک چنین مناسبات و البته در سایه ی سلطه یک چنین نظام و سیاست هایی است که به ویژه در اوضاع و احوال کنونی جهان، از یک سو به شکل لجام گسیخته و سرسام آوری بر درایی ها و ثروت سرمایه داران افزوده می شود و از سوی دیگر، کارگران (همه ی آنان که کار می کنند و با کار و تولید خود رفاه و آسایش را برای احاد بشر فراهم می آورند) هر روز فقیرتر و بی چیزتر شده و به فقر، خانه خرابی و فلاکت کشانده می شوند. بی جهت نیست که بر اساس جدیدترین گزارش مؤسسه غیر دولتی آکسفام، دارای تنها هشت نفر از ثروتمندترین های جهان با دارایی بیش از ۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون نفر از جمعیت جهان برابری می کند.

بلون تردید وجود چنین فاصله ی عظیم طبقاتی، نتیجه استمرار مناسبات نابرابر و پوسیده سرمایه داری و سیاست های استثمارگرانه و ظالمانه ی حاکم بر دنیا است که امروزه، به ویژه از طریق توصیه های تئولبرالی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به دولت ها دیکته شده و از این طریق به خورد کارگران و توده های تحت ستم و استثمار مردم داده می شود.

کشورما ایران نیز به عنوان یکی از اقطار سرمایه داری جهانی از این قاعده مستثنی نیست. صاحبان سرمایه و دولت های حامی آن در ایران در راستای مهیا نمودن هرچه بیش تر شرایط برای انباشت سرمایه و کسب سودهای نجومی، کارگران را به شدیدترین و بیرحمانه ترین شکل ممکن استثمار می کنند و شرایط بس سخت و دشواری را به ویژه به لحاظ معیشتی به این طبقه تولید کننده و هستی ساز تحمیل می نمایند که تعیین دستمزد ۹۳۰۰۰۰ تومانی دستپخت "شورای عالی کار" برای سال ۹۶ و به تعطیلی کشاندن بسیاری از کارخانه ها، کارگاه ها و معادن کشور و اخراج و بیکارسازی های گسترده کارگران تنها نمونه هایی از آن هستند.

کارگران در ایران امنیت شغلی ندارند از بیمه های اجتماعی مکفی و کارآمد برخوردار نیستند؛ قراردادهای موقت و شرکت های پیمانکاری و واسطه ای امان شان را بریده؛ بخش های وسیعی از آحاد این طبقه با حقوق های معوقه دست به گریبانند؛ سفره شان بیش از هر زمان دیگری خالی است و گرانی فزاینده کالاها و مایحتاج عمومی رمقی برایشان باقی نگذاشته است؛ از حق ایجاد تشکل های مستقل کارگری و حق اعتراض و اعتصاب محرومند و حق آزادی بیان از آنان سلب شده است؛ نمی توانند آزادانه مراسم بزرگداشت روز جهانی کارگر را همچون کارگران بسیاری دیگر از کشورهای دنیا برگزار کنند و ...

اعتراض که برای پیگیری خواست ها و مطالبات کارگران و توده های مردم به جان آمده صورت می گیرد را اضافه کرد. و در این ارتباط احضارهای مکرر کارگران آگاه و فعالان کارگری و تهدید، دستگیری و زندانی کردن آنان به بهانه های واهی رنج های عدیده ای را بر ایشان افزوده است. آری سرمایه داری در ایران وضعیت بسیار خطرناک و فاجعه باری را برای کارگران و توده های زحمتکش مردم رقم زده است.

بدون تردید چنین وضعیتی برای کارگران و توده های زحمتکش مردم قابل تحمل نخواهد بود و خواه ناخواه آنان را رو در روی صاحبان سرمایه و دولت حامی آن قرار خواهد داد. تا آن جا که به ویژه در سال های اخیر بخش ها و لایه های مختلف طبقه کارگر، مأمور از کارگران حمل و نقل، صنایع و خدمات، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و اقشار مختلف مردم با اعتراضات و مبارزات خود مخالفت خود را با ادامه چنین روند ظالمانه و غیرانسانی ای نشان داده اند.

در این راستا تشکل های امضا کننده زیر ضمن گرامی داشت این روز بزرگ و تاریخی مطالبات خود را به شرح زیر اعلام می کنیم:

۱- در حالی که خط فقر بیش از چهار میلیون تومان در ماه برآورد شده است، تعیین حداقل دستمزد از سوی "شورای عالی کار" به میزان ۹۳۰۰۰۰ هزار تومان در واقع به منزله تحمیل فقر و فلاکت بیش تر به کارگران و خانواده های آنان می باشد. ما خواهان دریافت حداقل دستمزد به میزان ۴۰۰۰۰۰۰ تومانی برای سال ۹۶ هستیم.

۲- بخش وسیعی از کارگران در شرایط کنونی با دستمزدهای معوقه دست به گریبانند. دستمزدهای معوقه کارگران باید فوراً و بی هیچ عذر و بهانه ای پرداخت شده و عدم پرداخت آن ها به مشابه جرم قابل تعقیب، مورد پیگرد قضائی قرار

گیرد. ۳- با وجود اینکه مطابق قانون اساسی باید آموزش تحصیلات برای همه مردم رایگان باشد؛ بخش های وسیعی از آموزش در کشور خصوصی شده و بخش های دولتی نیز برای آموزش مبالغ زیادی دریافت می کنند و طبقات محروم جامعه از آموزش رایگان و با کیفیت محروم هستند. ما کارگران ضمن محکوم کردن روند مذکور خواهان آموزش با کیفیت و یکسان رایگان برای عموم مردم کشور هستیم.

۴- ما کارگران به ویژه در شرایط تورم و گرانی روزافزون کالاهای اساسی در جامعه، اعمال برخی سیاست های معروف به ریاضت اقتصادی همچون رها سازی قیمت ها و حذف سوسپیدها از جمله آب، برق و گاز و اخراج و بیکار سازی کارگران با بهانه ها و ترفندهایی چون تعدیل نیرو و خصوصی سازی، مقررات زدایی از حقوق کار و نابودسازی برخی از دستاوردهای چند ده ساله حقوق کارگری و تعرض ضد کارگری به قانون کار و ... را محکوم نموده و خواهان پایان بخشیدن به این قبیل سیاست های اسارت آور و ضد عدالت اجتماعی هستیم.

۵- قراردادهای سفیدامضا و شرکت های پیمانکاری و واسطه ای ابزاری برای استثمار کارگران می باشد. ما کارگران خواهان برجسته شدن این گونه قراردادهای اسارت آور و شرکت های پیمانکاری و واسطه ای هستیم.

۶- ما خواهان برخورداری تمامی بازنشستگان از یک زندگی انسانی، مطابق با استانداردهای جهانی و رفع هرگونه تبعیض و نابرابری در پرداخت مستمری و مزایای این بخش از کارگران می باشیم. ما همچنین خواهان بیمه ی درمان رایگان برای کارگران و تمامی مزدبگیران و قشر فرودست جامعه هستیم.

۷- اخراج و بیکارسازی کارگران به هر بهانه ای باید متوقف گردد و

تمامی کسانی که بیکار شده و یا به سن اشتغال رسیده اند باید تا زمان اشتغال به کار از بیمه بیکاری مکفی، برخوردار باشند.

۸- ما کارگران خواهان برابری کامل حقوق زنان و مردان در تمامی شئون زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی و محو کلیه قوانین تبعیض آمیز علیه آنان می باشیم.

۹- سازمان تأمین اجتماعی با اندوخته های کارگران ایجاد شده است بنابراین می بایست به دست نمایندگان منتخب و واقعی کارگران اداره شود. ما خواهان برخورداری همه کارگران و زحمتکشان جامعه از امکانات و مزایای بیمه های تأمین اجتماعی هستیم. و دست اندازی به اموال و دارایی های کارگران در این سازمان را محکوم می کنیم.

۱۰- ما کارگران سرکوب و کارشکنی و عدم به رسمیت شناختن حقوق سندیکاها و تشکل های مستقل کارگری را محکوم کرده و خواستار تشکیل سندیکاها و تشکل های مستقل کارگری و رعایت حقوق بنیادین کار، به ویژه مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین المللی کار دایر بر "آزادی ایجاد تشکل های مستقل" و "عقد قراردادهای دستجمعی" هستیم. و دادخواهی و شکایت کارگران را در این باره به نهادها و سازمان های بین المللی حق مسلم تمامی کارگران می دانیم.

۱۱- هرگونه اعمال فشار، پرونده سازی و صدور احکام شلاق، بازداشت و زندان برای کارگران و فعالان کارگری، مدنی و اجتماعی بایستی متوقف شود. ما خواهان رفع فوری تمامی این فشارهای زجر آور بر فعالان جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی حق طلبانه هستیم و آزادی فوری و بدون قید شرط تمامی کارگران و فعالین کارگری زندانی را خواستاریم.

۱۲- تشکل های دست ساز دولتی -

در تدارک اول ماه مه، ...

از صفحه ۶

کارگری می‌خواهند بیابند بیرون جشن بگیرند، یا روی پلاکاردی بنویسند زنده باد اول مه و خواست هایشان را مطرح کنند. این عملی است و اگر این کار را نکنیم خطا است. و نه تنها کارگر و معلم و بازنشسته و پرستاران و غیره بلکه دانشجویانی که نود درصدشان از خانواده های کارگری هستند و در شرایط اقتصادی بدی دارند تحصیل میکنند با بیانیه درخشانی که سال قبل دادند از آنها هم انتظار می‌رود تحرك را شروع کنند، در دانشگاهها مراسم بگیرند و یا به تجمع کارگران بپیوندند. صدها مرکز دانشجویی میتوانند یکی از موتورهای محرک اول مه باشند یا میلیون ها جوان بیکار، از جوانان ته لنجی های آبادان که اخیرا راهپیمایی کردند یا جوانان بهبهان که برای کار دست به تجمعات اعتراضی زدند و دستفروشان و غیره همه اینها نیروهای بزرگ و وسیع اول مه هستند و صحبت من خطاب به همه اینها است که اول مه متعلق به همه شما است.

شهلا دانشفرو: نکات اصلی را در واقع اشاره کردید. بد نیست من هم به چند نکته اشاره کنم. اول بیانیه های مشترک. خواستهای کارگران، معلمان، بازنشستگان، جوانان و... امروز میدانی شده و به شعارهای خیابانی در بسیاری از اعتراضات تبدیل شده است. یعنی دیگر در سطح قطعنامه ها و بیانیه ها و جلسات معین محدود نمانده است، این خواستها را می بینیم که می آیند و در تجمعات هزاران نفره مقابل مجلس فریاد میزنند. بیانیه فراگیر دانشجویان با استقبال کارگر و معلم و بخش های مختلف جامعه روبرو میشود. یعنی اینکه قبلا این گفتمان ها صورت گرفته است. تدارک روز جهانی کارگر به يك معنا میدانی صورت گرفته است. بنابراین اینها می تواند ماتریال و محتوای بیانیه های اول ماه مه

باشد. امروز بیش از هر وقتی بخش های مختلف طبقه کارگر به هم نزدیکند. مبارزاتشان به هم گره خورده است. اول مه باید این قدرت همبستگی و اتحاد را نمایش دهد. کارگر و معلم امروز بیش از هر وقتی کنار هم قرار گرفته اند. کارگر، معلم، بازنشسته، پرستار و دانشجو بیش از هر وقتی به هم نزدیکند. به همین دلیل يك فعال کارگری، يك رهبر کارگری، انتظار می‌رود که اگر خود را صاحب این روز و ناجی جامعه از سرمایه داری حاکم میدانند با این دیدگاه به موضوع نگاه کند و برود سراغ بخش های مختلف جامعه و بگوید این بیانیه همه ماست شما هم بیایید آنرا امضا کنید. شما نهادهای دفاع از حقوق کودک، شما نهادهای دفاع از حقوق زن، شما نهادهای اعتراض علیه تخریب محیط زیست که یکی از مصائب بشریت تحت حاکمیت سرمایه داری است و شما بخش های مختلف معترض مردم بیایید این را امضا کنید. در این صورت يك نقطه قوت روز جهانی کارگر میتواند این باشد که به طور مثال ۵۰ نهاد معترض با همدیگر بیایند و چنین بیانیه ای را امضا کنند که کیفرخواست جامعه علیه کل توحش سرمایه داری حاکم باشد. این همبستگی و اتحاد مبارزاتی مهم است و باید خود را در روز جهانی کارگر نشان دهد. اینها انتظاراتی است که دارم به آن اشاره میکنم. میدادم تلاش هست. ولی من دارم از ممکن بودن ها و موانع ذهنی ای که باید کنار زد تا اول مه گسترده و قدرتمندی برگزار کرد، اشاره میکنم.

اصغر کریمی: اجازه بدید به صحبت های شما نکته ای اضافه کنم. من فراموش کردم به پرستاران و کلا پرسنل بیمارستان ها اشاره کنم و حتی بسیاری از پزشکان که خودشان را کنار پرستاران میبینند و به قشر مفتخوری که ماهی صدمیلیون حقوق میگیرند تعلق ندارند، همه اینها باید اول مه را متعلق به خودشان ببینند. بیانیه ابزار خوبی برای متحد کردن و دخیل

کردن طیف وسیعی از مردم است. این بیانیه ها را باید کوچک به کوچک و شهر به شهر به مردم داد امضا کنند با چند خواست ساده که طب رایگان و تحصیل رایگان می‌خواهیم، دستمزد بهتر می‌خواهیم، زندگی می‌خواهیم داشته باشیم، رفاه می‌خواهیم می‌خواهیم آزاد باشیم که متشکل شویم، اعدام نمی‌خواهیم، کودک باید حرمت و رفاه داشته باشد، این خواست ها خواست های همه مردم است در واقع اگر بیانیه ساده ای با چند خواست عموم مردم داشته باشیم چرا مردم شهر نتوانند امضا کنند؟ میتوان بیانیه تشکل های کارگری را به هزاران هزار مردم هم داد امضا کنند.

شهلا دانشفرو: دقیقا همینطور است. این بیانیه ها در واقع جمعیتی آن تجمعات هزاران نفره ایست که در جامعه صورت میگیرد. بیش از ده هزار نفر کارگر، معلم، بازنشسته، پرستار، در همین روزهای آخر سال ۹۵ جمع شدند و این بیانیه ها بیانگر خواستهای متحد آنها است.

اصغر کریمی: هر کدام از این جمعیت ده هزار نفره میتوانند به ۵۰ نفر بدهند که این بیانیه ها را امضا کنند.

شهلا دانشفرو: دقیقا اینطور است و خانواده هایشان آنرا امضا کنند. و اینجاست که جای خانواده ها که گفتید در محلات و غیره جمع شوند، خودش را آشکارتر نشان میدهد. اگر اول مه قرار است روز قدرتمندی ما کارگران، ما مردم علیه توحش سرمایه داری حاکم باشد، جای خانواده ها که همین امروز در میدانند برجسته تر میشود. همچنین يك ابتکار جالب میتواند این باشد که هر کارخانه به مناسبت اول ماه مه، پرچم زنده باد روز جهانی کارگر را بر سر در کارخانه نصب کند. و عکس بگیرد و رسانه ای کند. در هر شهری هم اکنون دهها مرکز کارگری در اعتراض است. همانروز کارگرانی که دستمزد نگرفته اند، کارگرانی که علیه بییکارسازی ها در اعتراض

هستند. پرچم گرامیداشت اول مه را باید نصب کنند و خواستهایشان را اعلام کنند.

اصغر کریمی: مثلا کارگران هپکو همانطور که در راهپیمایی شان، آرم هپکو را داشتند، اتفاقا خیلی خوب است که در تجمعاتی که در اول مه میتوانند در مراکز شهرها داشته باشند، پلاکارد زنده باد اول ماه مه با آرم هپکو یا روغن نباتی زنجان یا ترانسفو و غیره را داشته باشد و مراکز مختلف کارگری مثلا کارگران کارخانجات آوانگان، روغن نباتی جهان، ترانسفو، فولاد و غیره هم به همین صورت.

شهلا دانشفرو: این کار رنگ دیگری به اول ماه مه میدهد و اینها تجربیات جنبش کارگری نیز هست. در اولین اول ماه مه بعد از انقلاب ۵۷ کارخانجات مختلف با پرچم های خودشان که اسم کارخانه شان روی آن نوشته شده بود، به خیابان آمده بودند و خانواده ها شرکت داشتند و جمعیت بنا بر آمارها به نیم میلیون میرسید. بویژه اینکه روز جهانی کارگر اساسا روز اعتراض علیه سرمایه داری است و اتفاقا جنبش کارگری و جامعه ایران بیش از هر وقتی دارد بنیانهای سرمایه داری را زیر تعرض خودش قرار میدهد. حتی شعار علیه بربریت سرمایه داری نیز امروز میدانی شده است. خط فقر را قبول نمیکنیم شعار مردم نیست. میگویند ملك نجومی تو ما را بی مسکن کرده. یعنی در واقع به چالش کشیدن تبعیض، نابرابری و کل نظام سرمایه داری.

اصغر کریمی ما از تحرکات در جنبش کارگری صحبت کردیم. اما تحرکات جریانات راست چیست و در قبال آنها چه باید کرد؟

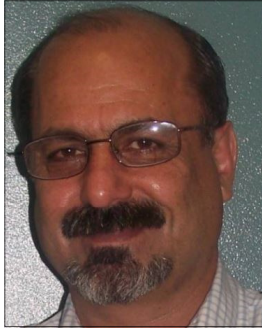
اصغر کریمی: اینقدر کارگران در طول این ۳۸ سال برای اول مه تلاش کردند که به شوراهای اسلامی هم تحمیل شده که کاری بکنند. در واقع جمهوری اسلامی دید نمیتواند فیزیکی جلو کارگران را بگیرد تلاش میکند به کمک شوراهای اسلامی کارگران را منحرف کند. مثلا سال قبل

در اول مه که روز اتحاد جهانی کارگران است شوراهای اسلامی بیشرمانه سیاستی نژادپرستانه در پیش گرفتند و بیکاری را به گردن کارگران مهاجر و افغانی گذاشتند تا به کارگر بگویند بیکاری شما مقصرش جمهوری اسلامی و سرمایه داران و این نظام نیستند، مفتخوران و اختلاس کننده ها نیستند، بلکه بخشی از کارگران هستند. این سیاست شوراهای اسلامی و کانون عالی شوراهای اسلامی بود همان ها که دستمزد چندرغاز را امضا میکنند و مهر تایید بر آن میزنند. کارگران باید تماما صفشان را از اینها جدا کنند. اینها تسمه نقاله های حکومت در کارخانه ها هستند، تشکل های سیاه وابسته به حکومت. کارگران در اول مه باید تجمعات مستقل خودشان را داشته باشند. بعلاوه در میتینگ های انتخاباتی حکومتی ها و هر جا که کارگران میتوانند باید پلاکاردهای خودشان و خواست های خودشان را مطرح کنند. علاوه بر شوراهای اسلامی جریانات ناسیونالیست و قومپرست هم هستند که کارشان تفرقه ایجاد کردن میان بخش های مختلف کارگران است. هر کارگری که از اتحاد حرف میزند و میگوید کارگر آذربایجانی و سیستانی و کردستانی و خوزستانی و تهرانی و غیره باید متحد باشد دارد با انواع ناسیونالیسم و قومپرستی و فرقه گرایی و انواع گرایشات ارتجاعی مقابله میکند. جریانات سلطنت طلب هم هستند که حاضر نیستند حتی چهار خواست ساده کارگر مثل دستمزد و بیمه و حق تشکل و غیره را مطرح کنند. کارگران باید در مقابل همه اینها بایستند و بر اتحاد خودشان پافشاری کنند. به هر رو مساله اساسی این است که کارگر بگوید اول مه همراه با بقیه کارگران در سراسر جهان به خیابان میایم و نشان میدهم که توسری خور و بیچاره و مستضعف نیستم، صفاتی که حکومتی ها به کارگر میدهند تا کارگر را توسری خور

نسل کشی آرامنه

پاکسازی نژادی - مذهبی توسط ناسیونالیسم به یاری اسلام!

محسن ابراهیمی



همکار دارند. ارقام هیچکدام اینها را ندارند. انسانها احساس و عاطفه برمی انگیزند. ارقام عاطفه و احساسی را تکان نمیدهد. انسانها سرشار از گرمای زندگی هستند. اعداد سرد و بیروحند. صاحبان پول و ثروت و قدرت تمام کارشان این است که بشر را در مقابل ابعاد جنایاتشان بی احساس کنند. نباید گذاشت هیچ جنایتی به بازی با ارقام تبدیل شود. من در جریان نوشتن این مطلب تعدادی مستند دیدم. بازماندگان آن قتل عام که در آن لحظه کودک بودند از اتفاقاتی حرف میزدند که بر سر خودشان و مادر و پدر و عزیزانشان آمده بود. دلی از سنگ میخواست که انسان با شنیدن داستان غمبار زندگی این انسانها بارها همراه این راویان بغضش نترسد و سرشار از خشم و نفرت و انزجار از هر چه مذهب و قومپرستی نشود.

برخورد دولتها در اول قرن ۲۱ به نسل کشی در اول قرن ۲۰ از ترکیه شروع کنیم!

آتاتورك هنگام به قدرت رسیدنش از این اتفاق به عنوان "عملی شرم آور" یاد کرد. این جا فرصت تحلیل موضع او نیست که بعدا زیر هربیش ناسیونالیسم ترك گامهای تازه ای علیه بخشهای مختلف مردم غیر ترك زبان ترکیه برداشت. به این بسنده میکنیم که در دوره خود آتاتورك اقدامات سازمانیافته ای برای پاک کردن آثار نسل کشی آرامنه از حافظه تاریخی مردم ترکیه انجام شد. از جمله ویران کردن گورستانهای جانباختگان و استفاده از سنگ قبرها برای فرش کردن جاده ها، ممنوع کردن ورود هر کتابی که به این قتل عام اشاره کرده است و البته بعدا جای گرفتن تعداد

منطقه آتاتولی به فرجام رساندند. به طور مشخصتر، "ترکان جوان" با پاکسازی قومی و نابودی فیزیکی مردم "غیر ترك و غیر مسلمان" در آتاتولی حائل جمعیتی بزرگی را از مقابل ناسیونالیسم ترك و پان تورانیسم برداشتند تا به آرزوی مالیخولیایی شان برسد که چیزی نبود جز گسترش قلمرو نفوذ ترکیه به "ترکهای مسلمان" در ماورای قفقاز و آسیای میانه.

فراموش نباید کنیم که در متن نسل کشی آرامنه، قتل عام دیگری هم علیه یونانی ها و آشوریها در جریان بود. اسناد میگویند به عنوان مکمل پاکسازی قومی و مذهبی صدها هزار یونانی و آشوری هم در این سالها کشتار شدند که جا دارد در فرصتی دیگر به آن پرداخت. و به این ترتیب در متن یک جنگ جهانی میان صاحبان سرمایه و دولتهای امپریالیستی یک نسل کشی کم سابقه رخ داد. در انتهای این جنگ خانمانسوز امپراطوری عثمانی فروپاشید. از درونش جمهوری ترکیه مدرن به رهبری آتاتورك سر برآورد و با پرچم یک ملت، یک نژاد، یک زبان و یک کشور اشکال دیگری از آزار و ستم علیه "غیر ترکها" را وارد صحنه کرد. کوچ اجباری بیش از یک میلیون یونانی از ترکیه و بعدا ستم و سرکوب سیستماتیک علیه مردم کرد زبان جلوه های جدید سرکوب ناسیونالیستی به رهبری آتاتورك هستند که موضوع این مطلب نیست.

انسان ها ارقام نیستند!

اجازه بدهید اینجا خیلی کوتاه به موضوعی اشاره کنم که مربوط به نکته پایانی ام است. این یک تخصص طبقات حاکم در "جهان مدرن" است که جنایتشان را به اعداد و ارقام تبدیل کنند که دیگر احساسی بر نمی انگیزد. انسانها پوست و گوشت و احساس و عاطفه و عشق و همسر و فرزند و پدر و مادر و همسایه و همکلاسی و

بود علیه ارمنیها آغاز شود. این آدمکش با پایان جنگ به برلین رفت و تا لحظه ترورش توسط یک جوان ارمنی همانجا در امنیت زندگی میکرد.

آزار و کشتار آرامنه در ترکیه عثمانی به سالها پیش برمیگردد. بارها و بارها ارتش سلطان عبدالحمید آنها را قتل عام کرده بود. اما فضای جنگ فرصتی طلایی فراهم کرده بود که یک کشتار نژادی - مذهبی داخلی در میان دود و آتش و خونی که دولتهای متخاصم از جمله دولت عثمانی راه انداخته بودند به انجام برسد. جنگ میان دولتها امکان داد که در فضای ویرانگر ملی - میهنی قصابان عثمانی دست بازتری برای پاکسازی داشته باشند. در طول کشتار، دستگاه تبلیغات دولت عثمانی ارمنیهای مسیحی را در چشم "ترکهای مسلمان" ستون پنجم دشمن خارجی یعنی روسیه قلمداد میکرد و علیه شان نفرت قومی و مذهبی ایجاد میکرد. عالی ترین مقام مذهبی سنی در جهان عثمانی، با فتوای جهادش "علیه کافران و دشمنان اسلام" و اعلام آن از مساجد شمشیر مذهب را هم به ابزارهای کشتار ناسیونالیسم اضافه کرد.

مبتکر و سازمانده قتل عام، "ترکان جوان" متشکل در حزب "اتحاد و ترقی" بودند. آنها بر زمینه شکستهای دولت عثمانی در غرب و از کف رفتن قلمرو نفوذ عثمانی در منطقه بالکان و از میان ناراضیان از امپراطوری رو به زوال عثمانی برخاسته بودند و در یک کشمکش کودتا و ضد کودتا قدرت را بدست گرفته بودند. "ترکان جوان" با اتکا به ایدئولوژی پان ترکیسم تالان مذهبی غیر ترکها و غیر مسلمانها را که در دوران آخرین امپراطور عثمانی رواج داشت به مقصد رساندند. آنچه پان اسلامیسم عثمانی در لحظه زوالش نمیتوانست انجام دهد، "ترکان جوان" با سلاح پان ترکیسم با سلاخی مسیحیان ارمنی

هجوم آوردند و گفتند میخواهند از منطقه جنگی دورشان کنند. بیخبر از سرنوشتی شوم در صفوف هزاران نفره و با پای پیاده وادار به پیاده روی به سمت "مناطق امن" کردند. و به این ترتیب "کوچ مرگ" میلیونی آغاز شد. جمعیتی عظیم زیر سرنیزه سربازان "خدا و ملت" به سمت بیابانهای مرکزی سوریه حرکت کردند. مقصد بیابانها و غارهای دیرالزور در نزدیکی حلب بود. آنها که از گرسنگی و تشنگی و بیماری هلاک نشده بودند نیمه جان به اردوگاه نهای مرگشان رسیدند. جایی که خوش شانس ترینشان کسانی بودند که زنده زنده سوزانده نشدند. بدین ترتیب یک نسل کشی تاریخی در زیر بیرق اسلام و پرچم ناسیونالیسم عثمانی به فرجام رسید. یک و نیم میلیون انسان نابود شدند.

در این یادداشت قصد نداریم از ابعاد ددمنششی کشتارگران ناسیونالیست عثمانی صحبت کنیم. این جنایت با اتکا به اسناد غیرقابل انکار آنچنان اثبات شده است که حتی آدمکشی مثل اردوغان که خود را وارث قرن بیست و یکمی سلاطین عثمانی میدانند دو سال پیش مجبور شد اگر چه با لکنت زیان به "نوادگان کسانی که در سالهای آخر امپراطوری عثمانی جانشان را از دست داده اند" تسلیت بگوید! (به این تسلیت ریاکارانه برمیگردیم).

اما مهم است در سالگرد این نسل کشی روی چند نکته تعمق کنیم:

چرا دولت عثمانی به چنین قتل عامی دست زد؟

طلعت پاشا همان وزیر اعظم آدمخوار که نقش هاینرش هیملر عثمانی را بازی میکرد به نماینده سفیر وقت آلمان، متحد امپراطوری عثمانی در جنگ گفته بود: ترکیه از شرایط جنگ به عنوان سرپوشی برای تسویه حساب با "دشمنان داخلی" استفاده میکند! این بیان دیپلماتیک هولوکاستی بود که قرار

۱۰۲ سال از آن فاجعه انسانی گذشت. روز ۲۴ آوریل ۱۹۱۵ در فضای تیره و تاریک جنگ جهانی اول عملیات پاکسازی رسماً شروع شد! در این روز صفحه ای بسیار شوم و خونین به تاریخ اسلام و ناسیونالیسم اضافه شد. همه چیز از پیش مهندسی شده بود. در امپراطوری عثمانی در حال فروپاشی حتی کمیته مرگ سه نفره هم تعیین شده بود تا با نقشه ای از پیش آماده شده یکی از بزرگترین قتل عامهای سازمانیافته تاریخ بشریت را راه بیندازند. طلعت پاشا وزیر اعظم، انورپاشا وزیر جنگ، جمال پاشا وزیر درباری سازماندهندگان آن جنایت بزرگ بودند که امروز از آن به عنوان نسل کشی آرامنه یاد میشود.

همه چیز از هجوم ناگهانی گرمه های حکومت عثمانی به رهبران و فعالین سیاسی و نویسندگان و هنرمندان ارمنی شروع شد. در یک عملیات برق آسا در استانبول نزدیک ۵۰۰ نفر را از خانه هایشان بیرون کشیدند و به طرز فجیعی به قتل رساندند. فردایش قریب ۵ هزار ارمنی دیگر در همان شهر استانبول کشتار شدند. استانبول شهری بود که قبلاً امپراطور عثمانی با تغییر نامش از کنستانتینوپولیس (قسطنطنیه) به اسلامبول (استانبول) پایان امپراطوری بیزانس و پیروزی امپراطوری اسلامی عثمانی را جشن گرفته بود. این بار همان شهر در لحظات فروپاشی همان امپراطوری به محل شروع اولین نسل کشی قرن بیست تبدیل شد.

بسرعت نوبت به سراسر ترکیه رسید. مردان ۱۸ تا ۵۰ ساله ارمنی را به نام دفاع از امپراطوری و وطن مقدس به جبهه ها فرستادند. این پوشش دفاع از میهن تله ای بود برای جدا کردن و کشتار مردان ارمنی. آنها را خلع سلاح و دسته جمعی تیرباران کردند. بعد نوبت به زنان و کودکان و پیرمردان و پیرزنان رسید. به شهرها و روستاهایشان

نسل کشی ارمنه

از صفحه ۶

زیادی از آمرین وعاملین کشتارها در مقامهای مهم وزارت و وکالت دولت آتاترک، و به این باید اضافه کنیم که ژنرالهای ناسیونالیست وفادار به آتاترک هرگز حاضر نشدند سخنی علیه این فاجعه بگویند.

تکلیف اردوغان دیگر روشن است. جدا از اینکه پذیرفتن "نسل کشی ارمنه" در دوره عثمانی ممکن است دولت ترکیه را مجبور کند سرکیسه چپاول را باز کند و به بازماندگان این جنایت خسارت بپردازد، مساله او اساسا ایدئولوژیک و سیاسی است. اسلام و ناسیونالیسم دو جفت مکمل ایدئولوژیک اردوغان و حزیبش برای حکومت کردن است. کسی که اگر همین الان دستش برسد با شمشیر

دو دم اسلام و ناسیونالیسم ترک "نسل کشی کردها" را راه میدانازد معلوم است که تیر به بنیاد ایدئولوژیک خودش و دولتش نمیزند مگر اینکه زمانی جنبش علیه ناسیونالیسم و مذهب آنچنان قدرتمند باشد که ارکان قدرتش به خطر بیافتد. به این اعتبار قابل فهم است که ایدئولوگها و سران سیاسی دولت او سر هر فرصتی به توجیه آن قتل عام می پردازند که گویا شرایطی جنگی بود و تعداد زیادی هموطنان ترک و ارمنی کشته شده اند! حتی با پیشروی کم نظیری میگویند اصلا این وسط دولت ترکیه به خاطر این اتهامات سنگین تاریخی مظلوم واقع شده است. با این موضعگیریها به نظر من ناسیونالیسم ترک و در راسش اردوغان و حزیبش عملا شریک جرم ایدئولوژیک و سیاسی جنایتی هستند که اسلافشان مرتکب شده اند.

انکار نسل کشی برای دولت ناسیونال- اسلامی ترک آنقدر حیاتی است که بر سرش حاضر است با دول غرب وارد تنش شود. برای مثال هنگامی که فرانسه در سال ۲۰۱۱ رسماً از آن فاجعه با عنوان "نسل کشی" یاد کرد دولت ترکیه به اعتراض سفیرش را از آن کشور فراخواند و بعدا همین کار را با اتریش انجام داد. وقتی صحبت از پذیرش آن فاجعه به مثابه "نسل کشی" درکنگره آمریکا شد، دولت

ترکیه اخطار داد در صورت تایید این موضوع در کنگره پایگاه ناتو در ترکیه را می بندد.

دولتهای دیگر و دهن بند معاملات سیاسی!

آتهایی که نسل کشی ارمنه را مرتکب شدند خودشان دیگر زنده نیستند که حساب پس بدهند. اما وارثان سیاسی این نوع کشتارها بخشا زنده اند و همین امروز در مقابل چشمان ما همان جنایات را نه تنها توجیه میکنند بلکه خود در ابعادی دیگر مرتکب شده اند و میشوند. خمینی و البغدادی و اردوغان در یک سطح کلی وارثان سیاسی سلطان عبدالحمیدها و طلعت پاشاها هستند که اگر شرایطش را داشتند بی تردید به جنایاتی در همان ابعاد دست میزدند.

بیش از یک قرن از نسل کشی ارمنه گذشته است. سؤال این است که چرا علیرغم کوهی از اسناد غیر قابل انکار، در اول قرن بیست و یک هنوز فقط تعداد بسیار کمی از دولتها حاضر شده اند آن فاجعه را با نام شایسته اش یعنی نسل کشی محکوم کنند؟

پاسخ ساده است. این مصالح قدرت و محاسبات و معاملات سیاسی است که تعیین میکنند امروز یک دولت در باره اتفاقی در اول قرن بیست چه موضعی بگیرد. یکی مشککش این است که پای اسلام عزیز در میان است. مشکل دیگری مثل الهام علی در آذربایجان اینست که آن قتل عام عمق جنایتگری ناسیونالیسم هم سنخش را بر ملا میکند که امروز قالب ایدئولوژیک قدرتش است. یکی مثل آنجلا مرکل مجبور میشود مکرراً اعلام کند که قطعنامه پارلمان آلمان در مورد نسل کشی الزام قانونی ندارد چون میترسد به تریج قبای اردوغان بر بخورد و معامله مربوط به پناهجویان را به هم بزند و دروازه را برای هجوم پناهجویان به سمت غرب باز کند. (الشیپگل اخیرا فاش کرد که توافقی میان وزارت خارجه و دفتر صدر اعظم هست که سخنگوی دولت علنا از قطعنامه پارلمان آلمان تبری کند!) یکی مثل ترامپ که همه جا دهن دریده است اینجا در مقابل اردوغان یکباره صاحب

نزاکت سیاسی میشود و فقط از "فاجعه ای بزرگ" اسم میبرد و فوراً شان اسپایسر سخنگویش خلق الله را مطمئن می کند که رئیس جمهور عبارت "نسل کشی" را به کار نبرده است! و البته این چالپوسی سیاسی رهبر "جهان آزاد" به این خاطر است که نمیخواهد دومین ارتش ناتو را برنجانند.

نقش بشریت آزادیخواه و انساندوست علیه این نسل کشی!

برای همه جانیان تاریخ نه تنها پاک کردن آثار جنایت از حافظه تاریخی مردم و بلکه فراموش کردن آن توسط مردم یک امر سیاسی بسیار مهم است. این در وهله اول تلاشی برای فرار از دست عدالت است. آنها در عین حال خوب میدانند که هر چقدر آگاهی و انزجار اجتماعی از کشتارهای سیاسی و عقیدتی و جنبش محکومیت و دادخواهی در میان نسلهای کنونی بالاتر باشد، همانقدر جبهه عدالتخواهی و حقوق انسانی از زمینه محکمتری برای پیشروی برخوردار خواهد بود. همانقدر دست

در تدارک اول ماه مه، ...

از صفحه ۱۰

و بیچاره و بدبخت بکنند. کارگر باید نشان بدهد که به همه چیز جامعه حساس است، پرچم تحصیل رایگان و بهداشت رایگان و آزادیها و همه خواست های جامعه را بلند کند و توجه جامعه را به خود جلب کند. اول مه بگوید خیابان ها مال من است بیرون میام و با بقیه مردم شهر جشن میگیرم و خواست های خودم را مطرح میکنم.

شهلا دانشفر: اول مه بیش از

هر وقتی چهره ضد کارگری شورای اسلامی و خانه کارگر را می بینیم، اینها یک پای برگزاری هفته دولت هستند به اسم "هفته کارگر". شعارشان اقتصاد مقاومتی است که همان تاکید بر سیاست ریاضت اقتصادی است و خامنه ای سال ۹۶ را به این اسم نامگذاری کرده است. و شعارهای دیگرشان در جهت داغ کردن تنور مضحکه انتخابات حکومت است. کارگر هر چه قدرتمند تر

دولتها و طبقات حاکم برای تعرض به جان و حرمت انسانها به نام مذهب و ملت و میهن و هر لاطانات سیاسی دیگر بسته تر خواهد بود.

در خود ترکیه مدتهاست که در میان طیف وسیعی از نسل جوان و نویسندگان و هنرمندان انساندوست، چپ و سکولار مخصوصا ترك زبان يك گرایش قدرتمند در محکومیت این جنایت تاریخی شکل گرفته است. وقتی در دسامبر ۲۰۰۸ کمپینی تحت عنوان "من عنز میخوام" به ابتکار روزنامه نگاران و اساتید دانشگاه ترك زبان راه افتاد، در همان ۲۴ ساعت اول دادخواستشان را ۵۰۰۰ نفر امضا کردند و دو هفته بعد امضاها به بالای ۳۰۰۰۰ رسید که باعث خشم مقامات دربار اردوغان شد.

نمونه دیگر از ضدیت مردم ترکیه با مواضع ناسیونالیست - اسلامیستهای حاکم به ژانویه ۲۰۰۷ برمیگردد. وقتی هراوند دینک، روزنامه نگار فعال در زمینه "همبستگی میان ترک و ارمنی" در مقابل دفتر روزنامه اش ترور شد، صدها هزار از شهروندان ترك زبان

ظاهر شود. با بیانیه های مشترکش اتحاد طبقاتی خود را به نمایش بگذارد و اجتماعی تر به تدارک روز جهانی کارگر برود، به همان درجه این تشکلهای دست ساز حکومتی و جریانات راست را از سر راهش کنار زده است. در اول مه که خصلتا ضد سرمایه داری است، جایی برای قومگرایی نیست. جایی برای ناسیونالیسم نیست. جایی برای تحجر و عقب ماندگی نیست. و جایی برای ضدیت با کارگر نیست. اول مه روز اتحاد کارگران است. به همین دلیل می بینیم که قطعنامه های کارگری هر سال کیفرخواستی علیه بربریت سرمایه داری است. آخرین تاکیدات شما اصغر کریمی در آخرین لحظات برنامه چیست؟ **اصغر کریمی:** کارگران، پرستاران و معلمان، دانشجویان و بازنشستگان و تمام نهادهایی که شما هم اشاره کردید، در دفاع از محیط زیست یا حقوق زن یا حقوق کارگر یا علیه اعدام و هر نهادی که برای یک خواست انسانی مبارزه میکنند باید اول

موج اعتراضی وسیعی با شعار "من هراوند دینک هستم"، راه انداختند و با ارمنه ساکن ترکیه اعلام همبستگی کردند. این نشان میدهد که علیرغم تبلیغات گسترده دولتی برای ایجاد نفرت و نفاق تعداد کثیری در این زمینه در مقابل ناسیونالیسم ترك هستند.

هر انسانی که خود را شریک غم و اندوه بازماندگان این جنایت میداند، هر انسانی که نمیخواهد هیچ انسان دیگری در هیچ جایی و هیچ زمانی موضوع چنین اتفاق شومی باشد باید خود را در صف قربانیان این جنایت ببیند آنهم نه فقط به عنوان همدر بلکه به عنوان معترض، به عنوان عضوی از یک جنبش اعتراضی برای اجرای عدالت، برای مصون داشتن خود و هم نسلانش و آیندگان از تعرض دولتها و جنبشهای ارتجاعی.

این مخصوصا يك وظیفه همیشگی جنبشها و نیروهایی باید باشد که فلسفه سیاسییشان حفظ حیات و حرمت بشر، استقرار آزادی و برابری در مناسبات انسانی است. *

مه را مال خود بدانند در این صورت در مبارزه برای خواست هایشان قویتر میشوند. امیدوارم بتوانند و تلاش کنند که بیانیه های مشترک کارگر و معلم و پرستار و دانشجو را منتشر کنند که بسیار سمبلیک است بعنوان نمایندگان ۹۹ درصدی های جامعه علیه یک درصد مفتخور حاکم. که این وضعیت را به سر مردم آورده اند. مردم هم باید جبهه شان را مثل بالایی ها که علیرغم هر اختلافی که دارند در سرکوب و بیحقوقی مردم متحدند، متحد ظاهر شوند و نمایندگانشان که در این تشکل ها و جمع ها هستند بیانیه هایشان را در سطح شهرها به امضای مردم برسانند و یک اول مه واقعا تاریخی شکل بدهند.

شهلا دانشفر: اول مه يك روز

است. ولی میتوانی يك روزی باشد که اتحاد طبقاتی ما را تقویت کند و سرآغاز خوبی برای سال ۹۶ باشد.



کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس اسلامی: حذف اعدام بر اساس میزان مخدر

حسن صالحی

بنا به تصمیمی که کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس اسلامی روز یکشنبه سوم اردیبهشت ماه ۱۳۹۶ اتخاذ کرد مجازات اعدام از ماده واحده قانون اصلاح قانون مواد مخدر ناظر بر میزان و مقادیر مواد مخدر حذف شد. بعبارت دیگر مجازات اعدام برای مجرمانی که اقدام به تولید، توزیع، فروش یا وارد کردن مواد مخدر کنند حذف شد و مجازات حبس ابد برای آنها در نظر گرفته خواهد شد. به گفته مدیرکل حقوقی مجلس اسلامی، به این ترتیب اعدام در این قانون صرفاً در موارد مسلحانه، تکرار جرم، سازمان یافته بودن و سوءاستفاده از مجانبین و اطفال قابل اعمال است.

طرح الحاق يك ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر در آذرماه ۹۵ با يك فوریت در مجلس اسلامی به تصویب رسید. این طرح سپس برای بررسی بیشتر به کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس سپرده شد. پس از تعیین و تکلیف طرح جایگزینی اعدام برای مجرمین مواد مخدر در کمیسیون حالا باید این طرح مجدداً برای رای گیری نهایی به مجلس برود.

سخنگوی کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس اسلامی گفته است: در صورت تصویب نهایی طرح کاهش مجازات اعدام در صحن علنی مجلس و تأیید شورای نگهبان، این قانون عطف به ماسبق می شود. یعنی زندانیان محکوم به مجازات اعدام شامل قانون جدید می شوند.

در مورد این قانون و تصمیم کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس چند موضوع را باید در نظر داشت:

اول- بر فرض اینکه قانون در

مجلس تصویب نهایی شود و از فیلتر شورای نگهبان بگذرد و مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز نسبت به آن نظر مساعد داشته باشد هنوز این قانون مجازات اعدام را در باره جرایم مواد مخدر حذف نکرده است. از نظر مخالفین اعدام این مجازات ضد انسانی باید تماماً از قوانین کشور بدون هیچ شرط و شروطی بر چیده شود.

دوم- حتی اگر این قانون به تصویب برسد و به مورد اجرا گذاشته شود باید منتظر بود و نتیجه آنرا در عمل دید. اعدام در دست جمهوری اسلامی يك اهرم سیاسی است و با اقتضای زمان برای مرعوب کردن جامعه از آن استفاده می کند. از طرف دیگر باید دقت داشت که مجازات اعدام در قوانین جمهوری اسلامی در پرونده های مواد مخدر از مجازات های تعزیری محسوب می شود. یعنی اینکه شرع اسلام اندازه مشخصی برای آن تعیین نکرده و تعیین میزان آن به تصمیم حکومت و قضایی بستگی دارد. در سیستم قضایی جمهوری اسلامی دادرسی عادلانه معنایی ندارد. بنا به اخبار و گزارشات متعدد متهمین بازداشت شده در ارتباط با مواد مخدر معمولاً در همان هفته های اول مورد شکنجه قرار می گیرند، از وکیل بر خوردار نیستند، آنها را به اعترافات اجباری وادار می کنند و زمانی که حکم در مورد آنها صادر شده است وکیل وارد می شود که بی ثمر است. جمهوری اسلامی می تواند با استناد به موارد باقی مانده مجازات اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر هر زمان بخواهد این افراد را اعدام کند. بخصوص اینکه دستگاه قضایی جمهوری اسلامی بارها مخالفت خود را با حذف مجازات اعدام در رابطه با متهمین مواد مخدر

اعلام داشته است. کفایت سخنان صادق آملی لاریجانی رئیس قوه قضاییه را به یاد بیاوریم که در اکتبر سال ۲۰۱۶ اینطور گفته بود:

"اعدامها فی حد ذاته مطلوب نیست ولی مسأله این است که در کنار آن ضرر عظیمی که به جامعه می زند و خانواده هایی را متلاشی می کند ناچار به برخورد سریع و صریح و آشکار و قاطع با مواد مخدر هستیم. و از دادستان های کل کشور می خواهم در اجرای احکام تعلل نکنند و پس از صدور حکم، آن را اجرا کنند. چراکه اجازه نداریم ۳ سال اجرای حکم را به تعویق بیندازیم تا مجرم در زندان نمازخوان شود و به علت نماز خواندن او اعدام را منتفی کرد. نمی توان اعدام را به طور کلی منتفی کرد چرا که بازدارندگی دستگاه قضا را تضعیف می کند. اینکه می گویند اعدام فایده نداشت بی مورد است و اگر سختگیری قوه قضاییه نبود وضع بسیار بدتری به وجود می آمد."

سوم- واقعیت این است که جمهوری اسلامی بدلیل شمار زیاد اعدامهایی که بدان دست می زند تحت فشار بوده است. هم از سوی جامعه جهانی و هم از سوی جنبش وسیع علیه اعدام در ایران. تلاش جمهوری اسلامی برای تعدیل به اصلاح قانونی مجازات متهمین مواد مخدر در واقع واکنشی در قبال این فشارهاست. طبق گزارش عفو بین الملل بیش از ۵۰ درصد از اعدامها در سال ۲۰۱۶ در سطح جهان در جمهوری اسلامی ایران اتفاق افتاده است. جمهوری اسلامی بارها از سوی نهادهای مدافع حقوق انسان و جامعه بین المللی بدلیل روند گسترده اعدام ها در ایران مورد اعتراض قرار گرفته است. همچنین همکاریهای دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم

سازمان ملل با جمهوری اسلامی ایران مورد انتقاد سازمانهای نظیر دیده بان حقوق بشر و سازمان عفو بین الملل بوده است. این سازمانها بدرست معتقدند که همکاریهای سازمان ملل با جمهوری اسلامی در مقابله با مواد مخدر باید بدلیل اعدامهای فزاینده در ایران قطع گردد. شماری از دولتهای اروپایی نظیر دانمارک، انگلستان و ایرلند به قطع کمک های میلیون ها دلاری خود به ایران در ارتباط با همکاری با دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل اقدام کردند. این دولتها اعلام داشتند که "برای ما روشن است که کمک های ما در دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، برای اعدام قاچاقچیان مواد مخدر استفاده می شود." بنا به يك لایحه مصوب پارلمان اروپا در اکتبر ۲۰۱۶ هر گونه کمکی که به اعدام بیشتر منجر شود باید نفی گردد. این لایحه از کمیسیون اروپا می خواهد هر گونه کمک فنی یا همکاری دیگر به ایران را مشروط به عدم نقض حقوق بشر کند.

اما علاوه بر فشارهای بین المللی وجود يك جنبش گسترده علیه اعدام در ایران يك عامل مهم در به تقلا افتادن جمهوری اسلامی برای ایجاد اصلاحات در قوانین موجود است. این جنبش وجوه مختلفی در ایران دارد. از گفتمان وسیع و گسترده علیه اعدام گرفته تا اعتراضات خانواده های محکومین به اعدام با خواست روشن لغومجازات اعدام، از جنبش بخشش گرفته تا تلاش مردم برای رهایی اعدامی ها به هنگام اجرای این مراسم ضد انسانی، از اعتراضات خانواده ها در مقابل زندان ها گرفته تا حمایت بخشهایی از مردم از این تجمعات اعتراضی، از فعالیت گسترده در شبکه های

اجتماعی علیه اعدام گرفته تا اطلاع رسانی وسیع در مورد ماشین آدمکشی جمهوری اسلامی اینها هم صورت های بروز يك جنبش واحد و بزرگ در ایران هستند که جنبش علیه اعدام نام دارد. این جنبش که با وارد شدن و حضور مستقیم خانواده های محکومین به اعدام قدم مهمی به جلو برداشته است طبعاً مایه نگرانی جمهوری اسلامی است. بنا به همه این فشارهاست که جمهوری اسلامی مجبور به پذیرش پاره ای اصلاحات در قوانین موجود شده است تا چهره دیگری از خود به دست دهد.

چهارم- آدم کشی به اسم مبارزه با مواد مخدر یکی از سیاستهای جنایتکارانه جمهوری اسلامی در طول سالهای حاکمیتش بوده است. اما برای همه روشن است که اعدام و یا حتی اعمال مجازاتهای سنگین پاسخ مواد مخدر و رواج اعتیاد در جامعه نیست. معضلات اجتماعی که ریشه در بیکاری گسترده، فقر و نداری و نامطمئنی از آینده دارند را نمی توان با خشونت دولتی پاسخ داد. بلکه باید با بهبود شرایط کار و زندگی شهروندان زمینه های رشد چنین مصیبتهایی را خشکاند و این تا زمانی که جمهوری اسلامی حاکم است عملی نمیشود. تا آنجا که به اعتیاد به مواد مخدر برمی گردد مسئله به حاکمیت سیاسی در جامعه گره خورده است. تا وقتی که حکومت فقر و فلاکت و مصیبت و ماتم جمهوری اسلامی در قدرت باشد جامعه در مقابل اعتیاد به مواد مخدر مصون نخواهد بود. سرنگونی و نفی کامل نظام

کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس اسلامی: ...

از صفحه ۱۲

جمهوری اسلامی يك شرط مهم و اساسی در مبارزه جدی و پیگیر بر علیه رشد روزافزون اعتیاد در جامعه است.

پنجم. اعمال مجازات برای جوانان و مردمی که به اعتیاد کشانده شده اند نادرست است. کسانی که بدلیل سرخوردگی و افسردگی و نابودی آرزوهایشان و احساس عدم خوشبختی به اعتیاد کشانده شده اند و یا به دلیل بیکاری و فقر به عامل خرده پای فروش مواد مخدر تبدیل شده اند از قربانیان جامعه فقر زده و خفقان زده تحت حاکمیت جمهوری اسلامی هستند. جمهوری اسلامی با اعدام و مجازات آنها يك آدمکشی گسترده را در جامعه رواج داده تا هم مردم را مرعوب کند و هم مسئولیت مستقیم خود در تولید شرایطی که به اعتیاد شهروندان منجر می شود را بپوشاند. يك جامعه سالم علی القاعده باید بتواند از روی آوری شهروندانش به مواد مخدر جلوگیری کند و به این منظور يك

سری اقدامات پیشگیرانه را در دستور خود قرار دهد. فقرزدایی، مبارزه با تبعیض و نابرابری، ایجاد امکانات رفاهی و تفریحات سالم و مفید و اطلاع رسانی و آموزش گسترده از جمله اقدامات پیشگیرانه ای است که می تواند زمینه روی آوری به مواد مخدر را به درجات بسیار زیادی از میان بردارد.

زندگی معتادین باید غیر جنایی شود. معتادین قربانیان جامعه غیر انسانی هستند که زیر فشار غیر قابل تحمل اقتصادی و تبعیضات اجتماعی زندگی دشواری داشته اند و برای کاستن از بار این فشارهای کم‌رکن به اعتیاد کشیده شده اند. اینها انسانهایی هستند که بیش از هر چیز به کمک جامعه نیاز دارند و نه سلاخی توسط ماشین دولتی. خیلی ساده جامعه باید به معتادین کمک کند. فرد معتاد نمی تواند بطور آنی از اعتیاد به مواد مخدر خلاص شود. باید بجای تحقیر و شکنجه و اعدام کلینک های دولتی دایر کرد تا نیازهای

معتادان به مواد مخدر را در صورت اعلام آمادگی آنها برای شرکت در دوره های ترک اعتیاد برآورده کنند. اگر این کار کنترل شده و طبق برنامه مشخصی صورت بگیرد آنگاه فرد معتاد نیاز ندارد که در خیابانها به گدایی کشیده شود، خانه و کاشانه خود را رها کند و زندگی خود را به تباهی بکشاند. او بعنوان يك شهروند شریف که جامعه قدر و ارزشش را می داند دیگر طعمه باندتهای مافیایی قاچاق مواد مخدر نخواهد شد و می تواند به زندگی عاری از اعتیاد برگردد. در این صورت است که سوداگران مواد مخدر نیز بازار خود را کساد خواهند یافت و بدنیا بازار دیگری خواهند رفت.

يك رکن دیگر مبارزه با مواد مخدر پیگرد و مجازات عاملین تولید، قاچاق و فروش غیر قانونی مواد مخدر است. روشن است که از نظر ما مجازات این جرایم اعدام نباید باشد. ولی بطور قطع به نابودی کشاندن زندگی مردم از طریق تولید، قاچاق و فروش مواد مخدر باید مجازات سنگینی داشته باشد.

اگر چه اینجا هم باید آیین دادرسی و مراحل رسیدگی به جرم بر اساس موازین انسانی و با رعایت کامل حقوق متهم انجام گیرد. تاکید می کنیم که اعمال چنین مجازاتهایی در همراهی با اقدامات پیشگیرانه و برخورد انسانی با معتادین می تواند نتیجه بخش باشد و گرنه به تنهایی ثمری بهمراه نخواهد داشت.

جمهوری اسلامی رژیم اعدام و شکنجه است. این را همه می دانند. ولی جمهوری اسلامی چه از سوی جامعه بین المللی و چه از سوی جنبش وسیع علیه اعدام در ایران در منگنه فشار قرار داشته است و از همین رو بحث

بازهم در باره مضحکه انتخابات

از صفحه ۲

نمایش شلوغ و پرجمعیت انتخاباتی زبان همه جنایتکاران حکومت را در برابر مردم دراز تر میکنند. این را سالهاست دیده ایم و تجربه کرده ایم. باید بساط مسخره انتخابات حکومت اسلامی را بهم ریخت و این نمایش را به شکستی برای حکومتیان تبدیل کرد. این بفع همه ما مردم از هر قشر و طبقه ای است.

را تا آنجا که میتوانیم بی رونق سازیم. يك انتخابات بی رونق یعنی يك شکست برای حکومت و يك پیروزی نسبی برای مردم. و هر کس بعد از چنین شکستی سرکار بیاید ناچار است تا حدی که چارچوب حکومتش اجازه میدهد در برابر مردم کوتاه بیاید. و برعکس يك

بستن دفاتر جمعیت دفاع و دوستداران حقوق کودکان در تهران و تبریز نشانه آشکار ضدیت بنیادی جمهوری اسلامی با همین پیشروی هاست.

مبارزه برای حقوق کودکان، با بستن این دفاتر نه تعطیل خواهد شد، نه از تکاپو خواهد ایستاد! برعکس این نشانه درجه نفوذ و قدرت این تشکلهاست. با پیوستن هر چه بیشتر به نهادهایی چون دفتر جمعیت دفاع، باید این صف دفاع از کرامت انسانی را تقویت کرد. با تمام قدرت باید از این نهادها و فعالین آن دفاع کرد. حمایت مالی و تدارکاتی امکانات فعالیت این نهادها را باید هرچه بیشتر کرد.

این را جامعه دارد با واکنش حمایتی خود آشکارا نشان می دهد. جمهوری اسلامی را با این حرکات مذبحخانه خود را بیشتر راز پیش رسوا می کند و مجبور به عقب نشینی های تاریخی بشتری خواهد شد.

انسانی جمهوری اسلامی با کودک ستیزی آشکار آن با سیاست خصوصی سازی و کالایی کردن آموزش و پرورش، با سازمان دادن اعتراضات همین نهادها خود را به بستر اصلی جامعه رسانده و مقابل فقر تحمیلی و ریاضت اقتصادی آن صف آرایی کرده است.

همین نهادها توجه جامعه را به مبارزه علیه ازدواج کودکان، به مبارزه علیه دست درازی مذهب در زندگی کودکان، به ازدواج کودکان، به ممکن بودن يك زندگی شاد، ایمن و خلاق برای کودکان جلب کرده اند. این مطالبات حالا رنگ اجتماعی بخود گرفته است و می تواند محکم به مبارزه اش ادامه دهد.

جامعه با تلاش اجتماعی این نهادها دریافته است، بزرگترین دشمن و خطری که کودکان را تهدید می کند، خود جمهوری اسلامی است. کودکان دشمنی بزرگتر از جمهوری اسلامی ندارند!

این جنبش، به مدد سالهای متمدای مبارزه و تلاش بی وقفه با عبور از همه موانعی که جمهوری اسلامی ایجاد کرد، مرزهای ممنوعه را به هم زد و مطالبات خود را به بستر اصلی اعتراضات جامعه رساند. امروز، بی حقوقی کودکان يك کیفرخواست صریح و روشن جامعه ما علیه مسببین آن است. کار حرفه ای کودکان، فقط استعمار نیروی کار کودکان نیست! این يك بربریت آشکار جهان سرمایه داری علیه حرمت و کرامت انسانی است. یکی از مشقت بارترین بی حقوقی های کودکان است.

دعوا دقیقا از این جا شروع می شود؛ مجبور کردن دولت به پذیرش مسئولیت و تأمین معیشت زندگی کودکان جدا از وضعیت اقتصادی خانواده، تأمین آموزش و پرورش رایگان و اجباری با يك استاندارد واحد برای همه کودکان، این جنگی تمام عیار با منافع ضد

پیرامون پلمب کردن نهادهای مدافع حقوق کودک

از صفحه ۶

غرور آفرین با جمهوری اسلامی درگیرند.

به کمپین موفق «از دریا تا دریا» نگاه کنید؛ چیزی حدود سی نهاد مدافع حقوق کودکان در سراسر ایران، این کمپین را مشتاقانه روی دوش خود گرفتند. «احمد شعبانی فرد» شجاعانه با طی مسیری چند هزار کیلومتری، با شکستن رکورد جهانی، شهر به شهر رکاب زد، دوید، شنا کرد و همه جا با برافراشتن الغای کار حرفه ای کودکان با اشتیاق مورد استقبال صف بزرگی از فعالین اجتماعی روپرو گردید. یا آن کوهنوردی که برای فتح قله هیمالیا دارد تلاش می کند، این افتخار را به لغو فوری کار کودکان هدیه می کند. این وجدان بیدار و آگاه جامعه است که پشت سر این فعالیتها به خط شده است. جنبش دفاع از حق کودکان علنی و آشکار به خیابان آمده است!

نمی تواند تحمل کند! به لیست طولانی مدافعیین حقوق کودکان در زندانهای جمهوری اسلامی نگاه کنید! آتنا دائمی، سعید شیرزاد، امید علی شناس، ناسو رستمی، بهنام ابراهیمزاده و ... چهره های شاخص این فعالیت اجتماعی هستند. اسماعیل عبیدی و دهها معلم زندانی و تبعیدی، به جرم دفاع از آموزش رایگان و در دفاع از حقوق معلمین که مستقیما بخشی جدایی ناپذیر از حق کودکان و دانش آموزان است در زندان و تبعید هستند!

می بینید که از هنرمند و ورزشکار گرفته تا فعالین سیاسی و اجتماعی به جنبش دفاع از حق کودکان، برای پایان دادن به بهره کشی از نیروی کار کودکان، برای بازگرداندن کودکان کار و خیابان به کلاسهای درس با تلاشی

آرش دشتی: سه یادداشت کوتاه

بیکاری و فروش سبزی کوهی برای لقمه نانی

این روزها تعداد کسانی که در روزهای تعطیل آخر هفته به کوه های شمال تهران می روند بیشتر شده است. شاید به خاطر آن که بهار است و هوا گرمتر شده است. پس طبیعی است که مردم بیشتری برای ورزش و تفریح و هواخوری به کوه ها بروند. اما این همه ی ماجرا نیست.

اگر يك صبح زود به کوه بروی و با دقت بیشتری نگاه کنی، عده ای را می بینی که در دامنه ها و شیب های تند و ملایم و در سنگلاخ ها، خم و راست می شوند و يك یا دو ساعت بعد، با يك یا دو گونی روی دوش، از کوه پایین می آیند و در پائین، آنجا که مردم از کوه بر می

گردند، بساط پهن می کنند و ریواس ها و سبزی های کوهی و آویشن می فروشند.

در روزهای غیرتعطیل هم در ایستگاه های اتوبوس، مترو و در بسیاری از میدان های شهر، مردان و زنانی را می بینی که سبزی های کوهی می فروشند. سال ها قبل فقط در میدان تجریش و میدان انقلاب، عده ای ریواس و سبزی کوهی می فروختند، اما امروزه در بیشتر میدان ها این کار به یکی از فعالیت های دستفروشان تبدیل شده است.

هرچه اخراج ها و بیکاری ها و گرانی ها بیشتر می شود، به تعداد این کارگران فصلی اضافه می شود.

مضحکه انتخابات و مخمسه حکومت

تناقضات ساختاری و سیاسی، سرتاپای رژیم را فراگرفته است. شورای نگهبان، از میان ۱۶۳۶ نفر که به صورت فله ای برای کاندیداتوری دوازدهمین دوره ی ریاست جمهوری ثبت نام کرده بودند، ۱۶۳۰ نفر را به صورت قله ای حذف کرده و تنها ۶ نفر را تایید کرده است. یعنی بقیه، صلاحیت نداشته اند. انگار که این ۶ نفر، صلاحیت دارند!

کیست که نداند این ۶ نفر، بیشتر از بقیه ی کاندیداها، در جنایات این رژیم در طول ۳۸ سال دست داشته اند. از سوی دیگر در میان آن ها که صلاحیتشان از سوی شورای نگهبان رد شده است، رئیس جمهور سابق و وزیر و معاون وزیر و مدیر بلندپایه و دبیر و عضو مجمع تشخیص

مصلحت نظام دیده می شوند. از غرضی وزیرنفت و وزیر پست و تلگراف و تلفن گرفته تا محمد هاشمی رفسنجانی رئیس اسبق صدا و سیما تا محسن رضایی دبیر دایمی مجمع تشخیص مصلحت نظام تا احمدی نژاد رئیس جمهور دو دوره ی پیاپی پیشین.

شورای نگهبان رژیم بحران زده با این رد صلاحیت اخیرش، بیشتر از هر زمان دیگری مضحکه ی انتخابات را به نمایش گذاشته و نشان داد که سرتا پای این رژیم از تناقض موج می زند. معلوم نیست سران نظام چگونه می خواهند به این تناقضات پاسخ دهند؟

مردم می پرسند؛ آیا محسن رضایی و احمدی نژاد پس از این رد

صلاحیت، همچنان دبیر و عضو مجمع تشخیص نظام خواهند بود؟

مردم می پرسند؛ چگونه افرادی که صلاحیت شان از سوی مصلحت اندیشان نظام زیر سوال رفته، سال هاست که دارند مصلحت نظام را تشخیص می دهند؟

واقعاً که خنده دار است. این مضحکه و خیمه شب بازی انتخابات، در هیچ برهه از تاریخ و در هیچ کشوری دیده نمی شود.

مردم، سال هاست که به روشنی دانسته اند که این رژیم مشروعیتمردمی ندارد و روی دریاپی از خون و روی فرش سیاهی از دروغ و دزدی و تبهکاری ایستاده است و به جایی رسیده است که عنقریب با انقلاب مردم سرنگون خواهد شد.

چگونه روز جهانی کارگر را به مراسمی اجتماعی تبدیل کنیم؟

و چند کارخانه دیگر، در اعتراض به وضعیت دستمزد و معیشت خود اعتصاب و تجمع کردند و حتی در مواقعی هم به خیابان آمدند. ویژگی حرکت های این کارگران این بوده که با خانواده هایشان به خیابان آمدند و یا جلوی استانداری و یا اداره کار و یا مجلس تجمع کردند. و این یکی از راه های اجتماعی شدن اعتراضات و مبارزات کارگری است. حرف این است که در اول ماه مه امسال می

توان از همین شیوه استفاده کرد و کارگران همراه همسر و فرزند در مراسمی که برگزار خواهند کرد، شرکت کنند.

این شیوه، به کارگر امکان میدهد که در قامتی اجتماعی و قدرتمند ظاهر شود، امنیت مراسم ها نیز در برابر تعرضات حکومت بالاتر خواهد بود. باید دید کارگران چگونه می توانند این شکل از حضور را تجربه کنند؟

اسماعیل عبدی باید فوراً آزاد شود!

اسماعیل عبدی چهره سرشناس فعالین معلمان از آبان سال گذشته در زندان به سر میبرد و به شش سال زندان محکوم شده است. جرم عبدی دفاع از مطالبات بحق معلمان و کارگران و تلاش برای متشکل کردن معلمان است. عبدی در بیانیه ای اعلام کرده است که از روز دهم اردیبهشت، سالروز بیانیه مشترک او و جعفر عظیم زاده، در همبستگی با معلمان و کارگران و در اعتراض به صدور احکام امنیتی برای فعالین تشکل های صنفی معلمان و کارگران و با درخواست صریح خروج روند پیگیری پرونده او از حالت امنیتی به عادی از تاریخ دهم اردیبهشت دست به اعتصاب

غذا خواهد زد. با گسترش مبارزه برای آزادی اسماعیل عبدی کاری کنیم که او مجبور به اعتصاب غذا نشود.

در بیانیه ای که اسماعیل عبدی به این مناسبت منتشر کرده به "حقوق های نجومی مدیران، دزدی های بی سابقه از صندوق ذخیره فرهنگیان، بی انضباطی های مالی گسترده در تعاونی های مصرف فرهنگیان، تبعیض در استخدامها، عدم تخصیص حقوق و دستمزد شایسته، بی توجهی به معیشت و منزلت بازنشستگان و مشکلات معلمان حق التدریس، پیمانی، پیش دبستانی و نیروهای آزاد، رشد بی سابقه کودکان بازمانده از تحصیل و افزایش تعداد کودکان کار، پایین آمدن سن فحشا، پایین آمدن سن اعتیاد و کشیده شدن آن به مدارس، توزیع نامتوازن امکانات، نابرابری در حقوق دانش آموزان با ایجاد مدارس خاص، پولی سازی آموزش و پرورش، فرسودگی ابنیه مدارس به ویژه در حاشیه شهرها و مناطق مرزی، ایدئولوژی زندگی محتوای کتب درسی، امنیتی کردن فضای آموزش و پرورش، عدم اجرای کامل نظام هماهنگ پرداخت و..." اشاره کرده و از جمله سوال کرده است:

آیا اعتراض به دزدی و غارت اموال عمومی به ویژه صندوق ذخیره فرهنگیان جرم است؟

آیا پیاده روی معلمان در پارک، برهم زنده امنیت ملی است؟

آیا عضویت در تشکل صنفی و برگزاری تجمع جرم است؟

و سوال ما این است که چه کسی مجرم است؟ اسماعیل عبدی و تعداد قابل توجهی از کارگران و معلمان و دیگر فعالین اجتماعی که برای تحقق خواست های انسانی و عادلانه شان دست به مبارزه زده اند یا حکومت و مقامات و سیاست قضایی و سایر ارگانهایی که برای این فعالین پرونده میسازند و آنها را به زندان می اندازند؟

اسماعیل عبدی و سایر فعالین سیاسی و اجتماعی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند. ما همه معلمان اعم از شاغل و بازنشسته، کلیه کارگران و تشکل های کارگری و کلیه تشکل ها و نهادهای پیشرو و آزادیخواه در ایران و کلیه سازمان های کارگری و سازمان های مدافع حقوق انسان در سطح جهان را فرامیخوانیم با کارزاری گسترده، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط اسماعیل عبدی و کلیه زندانیان سیاسی و فعالین کارگری و اجتماعی شوند. کلیه پرونده هایی که علیه فعالین کارگری و معلمان و سایر فعالین اجتماعی ایجاد شده و از جمله پرونده دهها فعال اعتصاب در بافق و چادرملو و سایر مراکز کارگری باید بدون ریخته شود و آزادی تشکل و اعتصاب و آزادی بیان و عقیده به رسمیت شناخته شود. در آستانه روز جهانی کارگر مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، علیه امنیتی کردن اعتراضات و دفاع از حق تشکل را گسترش دهیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۴ اردیبهشت ۱۳۹۶، ۲۴ آوریل
۲۰۱۷

کانون نویسندگان ایران:

فرخنده است اول ماه مه؛ روز جهانی کارگر

دفاع نویسندگان از منافع کارگران دفاع از منافع خودشان است؛ همچنان که پشتیبانی کارگران از آزادی بیان حمایت از حق آزاد زیستنشان است... اول ماه مه روز جهانی کارگر روز جشن و جلوه گری پرشمارترین طبقه اجتماعی است که گرچه سازندگان ثروت های جهانند، خود اما بی بهره ترند. هم از این نقش و جایگاه است که اندیشه زیبا کردن جهان با آزادی و عدالت برمی خیزد. در پهنی اجتماع نویسندگان و پدیدآوردگان فرهنگی نیز زیست و سرنوشتی همچون کارگران دارند. گرگاه همسرنوشتی نویسندگان و کارگران فقط شهروندی در جامعه ای مشترک نیست بلکه پیوندی جلی تر دارد: تا آنجا که نویسندگان در ازاء نوشته های خود مزد می گیرند، مزدبرانی هستند همچون دیگر مزدبگیران در چهارچوب مناسبات موجود. به این معنا هنگامی که دولت ها هر سال حداقل دستمزد کارگران را تعیین می کنند، بر خلاف ظاهر امر، میزان بر خورداری نویسندگان از زندگی را نیز رقم می زند. انتظار بیهوده ای است که دستمزد کارگران جامعه چند بار زیر خط فقر "توشیح" شود؛ آنگاه

بیانیه مشترک ...

از صفحه ۸

کارفرمایی همچون خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار و...، تشکل های واقعی کارگران ایران نیستند و نباید از جانب سندیکاها و اتحادیه های کارگری جهانی به رسمیت شناخته شوند. ما به رسمیت شناختن تشکل هایی چون خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار و مجمع عالی نمایندگان کارگران ایران و... را در تشکل ها و مجامع بین المللی کارگری محکوم می کنیم. ۱۳- کار کودکان باید ممنوع اعلام گردد و همه ی کودکان جدا از موقعیت اقتصادی و اجتماعی والدین و نوع جنسیت و وابستگی های ملی، نژادی، مذهبی و... باید

مقوق خود به خیابان نیامده و با بگیر و ببند و پرونده سازی و شلاق حاکمیت روبرو نشده باشند؛ از این رو خواست آزادی بیان بی هیچ حصر و استثنا و لغو همه اشکال سانسور فقط امر نویسندگان نیست بلکه به کارگران نیز مربوط است تا دیگر به صرف بیان اعتراض، پیگیری خواستها و ایجاد تشکل محاکمه و زندانی نشوند. روز اول ماه مه تجلی جهانی و تاریخی همبستگی میان مزدبران است؛ یادآور تاریخی است سراسر حق خواهی و عدالت جویی. کانون نویسندگان ایران اول ماه مه را به کارگران ایران و خواهان آزادی همه ی فعالان کارگری و نویسندگان روزنامه نگاران در بند و دیگر زندانیان سیاسی و عقیدتی است؛ خواهان مختموم شدن پرونده های امنیتی گشوده شده برای کارگران و نویسندگانی است که "جرمی" جز بیان اعتراض و کوشش برای رسیدن به حق خود ندارند. کانون نویسندگان ایران ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۶

و کلیه کارگران هستیم و آزادی بدون قید و شرط فعالین دلسوز زندانی این بخش از طبقه کارگر را خواستاریم. ۱۷- اول ماه مه، روز جهانی کارگر باید تعطیل رسمی اعلام شده و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود. ما خواهان لغو هرگونه محدودیت در برگزاری مراسم این روز جهانی هستیم.

کارگران جهان متحد شوید!

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه- کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری یازده اردیبهشت ۹۶

بمباران شنگال و کردستان

سوریه توسط دولت ترکیه را محکوم میکنیم

هواپیماهای جنگی ترکیه نیمه شب سه شنبه ۵ اردیبهشت (۲۵ آوریل) مناطق شنگال در کردستان عراق و مناطقی از کردستان سوریه در شمال شرقی این کشور را بمباران کردند. در اثر این بمبارانها دهها نفر از افراد مسلح ی.پ.گ و پ.ک.ک در کردستان عراق و کردستان سوریه و تعدادی از مردم ساکن این مناطق کشته و زخمی شدند. طبق اخبار منتشر شده در این بمبارانها که ۲۵ فرزند جت جنگی ارتش ترکیه در آن شرکت داشتند، حداقل ۲۰ نفر از کردستان سوریه و ۸ نفر از کردستان عراق کشته و دهها نفر زخمی شده اند.

طبق اطلاعیه ارتش ترکیه هدف این حملات، پ.ک.ک و ی.پ.گ بوده است، اما اشتباهها یک پایگاه نیروهای مسلح بارزانی هم مورد هدف قرار گرفته و ۱۵ نفر از آنها کشته و زخمی شدند. فرماندهان ارتش ترکیه تاکید کرده اند که این حملات با اطلاع قبلی بارزانی انجام شده است. در حالیکه احزاب مختلف در کردستان عراق دولت ترکیه را محکوم کرده اند، بارزانی پ.ک.ک را مقصر بمباران شنگال توسط دولت اردوغان معرفی کرده و در مورد حمله به ی.پ.گ در سوریه نیز سکوت کرده است. در واقع بمباران شنگال و پایگاه های ی.پ.گ یک توطئه مشترک اردوغان-دولت اردوغان معرفی کرده و

در مورد حمله به ی.پ.گ در سوریه نیز سکوت کرده است. در واقع بمباران شنگال و پایگاه های ی.پ.گ یک توطئه مشترک اردوغان-دولت اردوغان معرفی کرده و

کارگران در هفته ای که...

از صفحه ۶

کارگران ایران و جهان شادباش گفته و خواستار آزادی همه فعالان کارگری و نویسندگان و روزنامه نگاران در بند و دیگر زندانیان سیاسی و عقیدتی است؛ خواهان مختموم شدن پرونده های امنیتی گشوده شده برای کارگران و نویسندگانی است که "جرمی" جز بیان اعتراض و کوشش برای رسیدن به حق خود ندارند. شده است.

قطعه نامه ها و بیانیه کارگران و

بارزانی است. این حملات تروریستی شبانه ارتش ترکیه اولین اقدام گسترده اردوغان بعد از فراندوم اخیر ترکیه است که دست این دیکتاتور اسلامی را باز گذاشته است که ابعاد جنایتش را گسترش بدهد، بدون شک اگر اعتراضات مردم نتواند اردوغان و دولتش را مهار کند، دولت ترکیه دست به جنایات بسیار بیشتری در منطقه خواهد زد. هدف اردوغان از یکطرف کند کردن روند شکست داعش و از طرف دیگر تحکیم موقعیت خود در منطقه بدنبال شکست داعش است.

ما اقدام جنایتکارانه دولت ترکیه و همراهی بارزانی با سیاست اردوغان در این جنایت را شدیداً محکوم میکنیم. ما مردم آزادیخواه جهان را فرامیخوانیم که در مقابل توحش افسار گسیخته دولت ترکیه بایستند و از مبارزات مردم ترکیه علیه اردوغان و دولتش حمایت کنند. ما مردم آزادیخواه در کردستان عراق را فرامیخوانیم علیه سیاستهای حزب بارزانی و کل وضعیتی که حکومت اقلیمی بر مردم تحمیل کرده است قاطعانه به میدان بیایند.

حزب کمونیست کارگری ایران ۶ اردیبهشت ۱۳۹۶، ۲۶ آوریل ۲۰۱۷

کارگران در پارک چیتگر کرج به استقبال اول مه رفتند



منتشر شده است قرائت گردید. مراسم با شعر و سرود با هم خوانی تمام کارگران به پایان رسید. تجمع کنندگان سپس به کارگران کوهنورد ایران خودرو که در حسن آباد کرج بودند پیوستند و دسته جمعی به خواندن شعر و سرود و به رقص و شادی پرداختند و با سرود انترناسیونال مراسم را پایان دادند. حاضرین در این تجمع تصمیم گرفتند روز دوازدهم اردیبهشت به مناسبت روز جهانی کارگر همراه با معلمان در مقابل مجلس تجمع کنند.

اول مه روز جهانی کارگری گرامی باد به رسم و سنت هر ساله جمعه هفته قبل از ۱ ماه مه به پاس گرامیداشت ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر مراسمی در پارک جهان نمای کرج در ساعت ۹ صبح برگزار شد. در این تجمع تعدادی از فعالین تشکلهای کارگری از جمله اتحادیه آزاد، سندیکای نقاشان البرز، کارگران ساختمانی مریوان و فعالینی از کانون نویسندگان ایران شرکت داشتند. در این مراسم قطعنامه مشترک ۶ تشکل کارگری توسط پروین محمدی خوانده شد. بدنبال آن قطعنامه های دیگری نیز که توسط تشکل های کارگری

مردم سنندج با راهپیمایی در شهر به استقبال روز جهانی کارگر رفتند



امروز جمعه ۸ اردیبهشت جمعی از زنان و مردان کارگر و تعدادی از فعالین کارگری از جمله از کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری و اتحادیه آزاد کارگران ایران با راهپیمایی در خیابان های این شهر به استقبال روز جهانی کارگر رفتند. طبق گزارشی که کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری منتشر کرده این راهپیمایی از میدان گاز شهر سنندج شروع شد و تا میدان کوزه به شان ادامه یافت. در طول مسیر راهپیمایی صدا کارت پستال به مناسبت اول مه و همچنین بیانیه و قطعنامه اول ماه مه که از طرف چند تشکل کارگری منتشر شده بود در میان حاضرین توزیع شد که مورد

استقبال گرم جمعیت قرار گرفت. چند خودرو از نیروهای امنیتی و دهها نفر از ماموران اداره اطلاعات در طول مسیر حضور داشتند. یکی از نیروهای لباس شخصی قصد اخلاص و دستگیری یکی از شرکت کنندگان در مراسم را داشت که با مقاومت حاضرین روبرو شد و موفق به دستگیری او نشد. این همایش در مسیر تعیین شده با نظمی خاص و در میان شور و شوق حاضرین و کف زدن ها به پایان رسید.

حزب کمونیست کارگری ایران به شرکت کنندگان در این مراسم ها درود میفرستد و کارگران و مردم آزاده در سراسر کشور را فرامیخواند هرچه گسترده به استقبال اول مه روز جهانی کارگر بروند.

داده است که در بخشی از آن چنین آمده است: "تاریخ پر شکوه مقاومت اول ماه مه به ما یادآوری میکند ما کارگران ایران با همه رنج و محنتی که در این سالها کشیدیم در همه لحظات این ایام دست از تلاش و مبارزه برای فردای بهتر نکشیدیم، ما کارگران برای اینکه کارخانه تعطیل و ورشکسته نشوند، جنگیدیم، ما با اخراج، بیکاری، تعلیق، تنبیه و تحقیر جنگیدیم، ما با خصوصی سازیها، خودمانی سازیها و پیمانکاریها جنگیدیم، با قرارداد موقت با حذف ده نفر از شمول قانون کار و با طرح استاد و شاگردی جنگیدیم ما برای افزایش دستمزدها جنگیدیم ما برای دستمزدهای معوقه جنگیدیم، ما با همه توانمان برای معیشت و منزلت

رهبان کارگری سخن میگویند

کارگر ایران در این نیم قرن و بویژه ده سال اخیر بطور حتم روزهای روشنی برایشان به ارمان خواهد آورد اول ماه مه، یازده اردیبهشت سال ۹۶ را جشن خواهیم گرفت و تا گرفتن همه مطالبات انباشته خود هرگز از پای نخواهیم نشست."

خود را به فروش نگذارد. ما کارگران در طول ۳۶۵ روز در سال، تنها یک روز داریم و باید در آن روز و بدون اجازه گرفتن از ارگانی و یا شخصی، خیابان ها را که خود ما آن را تسطیح کردیم به تصرف در آوریم. کارگران دیگر نباید به محفل های چند نفره برای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر، اتکا کنند. ما کارگران، نیروی اجتماعی هستیم و باید مراسم روز جهانی کارگر را در خیابانها برگزار کنیم".

اول مه فرا میرسد و رهبان کارگری سخن میگوید. محمود صالحی و عثمان اسماعیلی از چهره های شناخته شده کارگری در شهر سقز کارگران را به برگزاری یک اول مه قدرتمند فرا خوانده اند. در گفتگویی سایت اتحاد با محمود صالحی به مناسبت روز جهانی کارگر، او خطاب به کارگران پیاده داده و میگوید: "پیام من برای همه کارگران؛ فعالان کارگری و دلسوزان طبقه کارگر این است که مراسم روز جهانی کارگر را در اول ماه مه برگزار کنند. بگذار کارفرمایان و حامیان آنان در آن روز بر خود بلرزند و با جیبهای خالی به خانه برگردند. اول ماه مه روز رزم طبقه کارگر است و طبقه کارگر باید در آن روز نیروی کار

شهلا دانشفر

خود را به فروش نگذارد. ما کارگران در طول ۳۶۵ روز در سال، تنها یک روز داریم و باید در آن روز و بدون اجازه گرفتن از ارگانی و یا شخصی، خیابان ها را که خود ما آن را تسطیح کردیم به تصرف در آوریم. کارگران دیگر نباید به محفل های چند نفره برای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر، اتکا کنند. ما کارگران، نیروی اجتماعی هستیم و باید مراسم روز جهانی کارگر را در خیابانها برگزار کنیم".

جوآنمیر مرادی از اعضای هیات مدیره انجمن برق و فلز کرمانشاه، طی پیامی تصویری از جایگاه مهم این روز در مبارزات کارگری و برگزاری هر چه با شکوه تر آن میگوید. شاپور احسانی راد بیانیه ای به مناسبت روز جهانی کارگر

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود